



نشریه مجاهدین خلق ایران

سال اول - شماره ۲ - دوشنبه ۸ مرداد ۵۸ - شماره ۱۵ - دیال

توضیح مجاهدین خلق ایران درباره شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

سلام خداونام خلق فرمان ایران سازمان معاهدت خلق ایران همس سبانه ۱۷ خرداد ۱۳۵۸ نقطه نظرهای خود را مبنی بر تدوین قانون اساسی از طریق تشکیل مجلس موسسان به اطلاع عموم رسانده است.

پنجمه در صفحه ۵

ویژه نامه مجلس بررسی قانون اساسی

قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه در صفحه ۶

اصول کلی حاکم بر قوانین در صفحه ۷

آیت اله طالقانی در مراسم



سی ام تیر

- هدفهای مرحله جدید انقلاب را روشن کردند
- مبارزه با استعمار، استبداد بهر شکل، استعمار شعارهای سه گانه انقلاب ماست

در مراسم روز ۳۰ تیر که به خاطر تحلیل از عهدهای خلق برپا شده بود، آیت اله طالقانی خطابه بیجمعت شرکت کنندگان که در میدان بهارستان اجتمعا کرده بودند گفت: تمام نیروها باستانی در مقابل دشمنان زخم خورده ای که چهره داخل وجه در خارج، شمشاد و روز مشغول دسیمه چینی هستند، متذشونه. همچنین ایشان صریحا اعلام نمودند که: "اسلام با تشک نظری حور در نمی آید. اسلامی که از من ترسان و سست بهما میسر سرچشمه گرفته، آزا دیرا محدود نمیکند. هر جمعیتی که بخواهد آزادی می بردم را در استقا دوست. محدود کند، این پنجمه در صفحه ۱۵

امترانی آنان در دعای عرفونشان بلا جواب ماند. و گاه مازکوت مواهه شد. ملی کردن برخی کارخانه ها سر نتوانسته به سازهای مرحله ای اقتسلاط رهایی بخش خلقهای ایران پاسخ گوید. در برخی صنایع بتدریج عناصر وابسته پنجمه در صفحه ۳

آیا ارتش

مشروعیت دخالت در مسائل درون مرزی را از طریق سپاه پاسداران کسب خواهد کرد؟

مقدمه:
عروض خلقهای تحت شتم ماکه بار شکس فقر و رنج ناشی از سلطه چندین و چند ساله امپریالیسم ورژم دست نشاندگان را بردوش داشتند. منجر به ساقط شدن رژیم گشت. در این سان دیکتاتور ری سپاه آریابهری در اس نسیرو تحولات پنجمه در صفحه ۲

آزادی انتخابات

• از بین بردن عوامل سیستماتیک محدود کننده راهی به درازی یک انقلاب دارد.

چنانکه در مقدمه فهرست اعلامیه مربوط به نامزدهای مشترک پنج گروه و سازمان مجاهدین آمده، شرکت ما در انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ملازم با شرایط زیر است:
۱- تضمین آزادی کامل انتخابات
۲- بی طرفی صداوسیما جمهوری اسلامی.

همچنین در اسان اعلامیه حداقل شرایط و حقوق مربوط به آزادی انتخابات:

- الف - حق نظارت بر نحوه رأی گیری و حفاظت ارسدوقها و شمارش آرا.
- ب - حق استفاده مشاوره آزاد به و نظریه یون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروهها.
- ج - صرف نظر از تمام ایرادات اصولی و

ضرورت عینی تشکیل شوراهای کارکنان در نهادهای تولیدی (قسمت دوم)

- آنان که می گویند کارگران قادر نیستند در اداره واحدهای صنعتی نقش داشته باشند، نیروهای اجتماعی کسردهای را از شرکت در سرنوشت خود محروم می کنند.
- تنها از طریق تشکیل کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراهای است که می توان از سیستماتیک شدن جریانهای ضد کارگری جلوگیری کرد.

در شماره گذشته در مقاله "شرح سندیکاها تجدیدی مرحله حاکمیت و روابط شورایی" دیدیم که چرا کارگران در برابر سندیکا از خورا دفاع میکنند. اینک قسمت دوم طرح شورایی و روابط شورایی را دنبال میکنیم. پس از شکست نظام پوسیده دیکتاتور

گزارشی از یک دیدار سیاسی - انقلابی با رهبر جبهه آزادی بخش آریتره



روزی چهارشنبه ۵۸/۴/۲۷ در مقر جنبش ملی مجاهدین میزبان برادرانی از جبهه آزادی بخش آریتره بودیم. این

توضیح:

در شماره قبل نام "سعود چوبی" پیوسته مقاله "پیامی در رسالت قلم" چاپ شده بود که به این وسیله تصحیح میگردد

بیانیه اعلام مواضع سیاسی حضرت علی در آغاز رهبری

هرمان ندس ترست است که پس از رحلت پیامبر در سان برخی اربلسن که بقایای ناخالصیهای حالیت وحاشه کبه در شیوه زندگی و عفترا تا آن وجود داشت، گراختان انحرافی شروع به رند نهاد. آنها بدلیل وابستگیهای طبقاتی خوش وفقدان سبش و تنگ صریح و همه جانبه توحیدی، از انطباع بالیدولوزی متفاوت است. بی جهت نیست که عدهای به قصد حسرتوری عنیت و سبوه جیمی انقلاب و یا اجراض است و مقام ناانحاطلو مدبردند که وقتی با اعلام این مواضع، متنازع خویش را در خطر دیدند، اراطراف عالم علی دور شده و حتی به توطئه بر عثمان دست زدند.

آغاز رهبری جامعه، ابراد نمود. در اسن خطبه علی با قاطعیت تمام نقطه نظرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بطور کلی دیدگاههای خودی را نسبت به سناطی از قبیل ادامه انقلاب، شیوه عادلانه توسعه اقتصادی، طبقه اشرافیت ستمیدار و پابگاه اجتماعی ارتجاع زمان خود و... صریحا اعلام میدارد. بدین لحاظ می توان این خطبه و خطبه بعدی (خطبه ۱۶) را در واقع بیانیه اعلام مواضع امام علی در شرایط بلافاصله پس از پیروزی انقلاب دوم مردم و توده های تحت ستم نامید. بیانیه ای که خطبتهای انقلابی را مشخص میکند و بطور کلی با نظرگاههای تحریف شده بظاهر اسلامی آن زمان

"وَاللَّهُ لَو وَجَدْتُهُ قَدْ تَوَلَّجَ بِيهِ الْبَيْتَ وَوَلَّجَ بِيهِ الْبَيْتَ كَرْدْتُهُ، فَإِنْ لَمْ يَأْتِكُمْ سَعَةً، وَنَزَّ حَاتِي فَكَيْفَ أَتَيْتُكُمْ فَاقْبَلُوا عَلَيَّ أَشْفِي"

(سوگند به خدا اگر دارا نبیهای بخشیده شده گذشته زانسانم، در هر جا که باشد آنرا مسامحه موهام نمود. اگر چه این اموال به کابین زنان رفته و با آن کثیران خریدار باشند، هسانا توسعه در عدل است، و نهانچه در سراسر رامتگی و سختی است راه خیر ما دلانه به مراتب تنگنا هایش بیشتر است.)

جملات فوق یکی از اولین خطبه های است که علی (ع) پس از بدست گرفتن اداره امور جامعه و رهبری انقلاب و در

آزادی انتخابات ...

و خلاصه هروزشی که آنگارو به صورت مستقیم اراده و خواست آزادی برای دهندگان را تحت الشعاع قرار دهد .

۲- طریقه غیرمستقیم و سبتماتیک در این روشها که بخصوص در کشور های سرمایه داری غربی جاریست علی الظاهر فشار مستقیم مردم برای بدهند نیست. لکن اوضاع و احوال کل کشور و نحوه تفکر و تربیت و تبلیغات و انتخابات طوری تنظیم شده که رای دهنده خارج از چهارچوب سیستم موجود قادر به انتخاب نیست . لذا رای انتخابی هم گمگند در چهارچوب نظام خاص و منافع کلی آن صورت گرفته است . بعنوان مثال سیستم انتخاباتی آمریکا را در نظر بگیریم کمزرد این کشور چه بخواهند وجه نخواهند دست آخر بایستی گام بردارند بگی از دوجوب جمهوری خواه و دموکرات را بپذیرند رئیس جمهور بپذیرند . بمبارت دیگر سیستم طوری تنظیم شده است که بید و فردک البته هر کدام به انحصارات و سرمایه - داران ملوم الحالی وابستند یکی از آنها انتخاب شود . یعنی هیچ مگاننی برای برنده شدن نامزد هائی که به انحصارات وابسته نیستند . و از طریق شبکه تبلیغاتی آنها به مردم معرفی شده اند . وجود ندارد . باین ترتیب ملاحظه میشود که در سرمایه داری های غربی ابتدا مردم را به یک فرهنگ صرف و کلاسیک بسود - جویی و برتری جویی نسبت به ملل ضعیف اصالت و رسالت تمدن خودشان عادت میدهند . و بعداً " در چهارچوب این نظام و ارزشها و دگم ها به رای گیری میبردارند .

اسلام و آزادی انبیشی

منظور از دگم ها عقیده برتری زنادی است که حزب نازی مبلغ آن بود .

بنابراین چنین رای گیری و ابساراز ارادای در واقع امر نمیتواند با معیار های اسلامی و توحیدی آزادانه تلقی شود زیرا مفهوم آزادی در نظرگاه توحیدی با نظرگاه سرمایه داری غربی خیلی تفاوت دارد . در دیدگاه توحیدی و اسلامی کلمه عوامل محدود کننده اراده آزاد و گامانه بشری تحریم شده است . از مسکرات و مخدرات گرفته تا عوامل محدود کننده اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی . به همین

دلیل نیز در فقه راحین اسلامی هر عدد و قرارداد که در آن بوجهی از وجوه قدرت انتخاب یا همان اراده آزاد انسان محدود شده باشد اعتباری ندارد . حتی اگر کسی عالم " و عامدا " از فرط تنگدستی خودش حاضر شود که بدست خودش را بش را بفروشد ، باز هم این خرید و فروش باطل است . زیرا اگر چه فروشنده بظاهر خود را مختار میدانند ، ولی در واقع امر تحت اجبار غامی به چنان کاری کشانده شده است .

حد اقل انتظار

اکنون با توجه توضیحات بالا میتوان نتیجه گرفت که طبا " تا وقتی ظلم و استعمار و بی فرهنگی وجود دارد . تا وقتی شعور و پیش اجتماعی و سیاسی رشد کافی نگردم است ، طبیعتاً وقتی در هر جامعه ای به نسبت خودش عوامل سیستماتیک محدود کننده وجود دارد . و خود بخود عمل میکنند . راه رفع و رجوع این عوامل نیز راهبست اساساً " طولانی و دراز مدت . راهی بدرازای یگانگت بنا بدین اجتماعی ، اقتصادی که ما تازه در آغاز آنیم . راهی که تنها در پیمان میتوان عوامل محدود کننده " آزادی ، پاهان جبهه ای خود کار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را در روانشناسی جامعه غشئی نمود .

لکن فشارها و طریقه های مستقیم مخدوش کردن آزادی انتخابات را دیگر به هیچ وجه نمیتوان در همین مرحله و همین امروز نیز نهادید مگر ت و بسر آن نتورید . موضوع مقاله حاضر نیز فعلاً همینگونه محدودیت ها و استبدادگری های ضد آزادی است . بمبارت دیگر از دولت و مراجع میخوانیم که لاف لاف خوب و چماق و پنجه بکس و شان تاز و تهدید و همچنین دسته جمعی فرستادن کارمندان و کارگران یک واحد را بپای صندوق محکوم کند . تنها در صورت میتوان گفت که روشهای انتخاباتی آریامری از این کشور رخت بر بسته است . همه میدانند که در زمان تا مخلوع شهرواری گیری کامیونی و از ترس فطسح حقوق و از دست دادن موازای مختلف چه پایه میبندل و نفرت انگیز بود . لذا اکنون نیز نباید گذاشت هیچ محدودیت و فشاری تحت نام هرکس و هر حزب بسر مومگیری های مختلف انتخاباتی افراد وارد شود .

گزارشی از یک دیدار ...

گرفت ، که گزارشی از این ملاقات و بخشی از سخولات و مطالبی را که عنوانی نگردد بدیلا میخوانیم .

تاریخچه مختصر مردم آریتره

در ابتدا احدی از مخرجین مختصر خصویات جغرافیایی تاریخی و اجتماعی و فرهنگی آریتره چنین گفت : از فرسها پیش آریتره سرزمین مستقل بوده است ، با تمدن ، سقشای ملی و تاریخ خاص خود ، ولی استعمارگران کوشیده اند مللت آریتره را هم چون دیگر مللتهای استعمار زده یک ملت بی تاریخ سرفی گمفند اولین استعمارگران عثمانی ها بودند . سپس نوبت به ایتالیایی ها رسید که در سال ۱۸۸۹ پس از چها رسال تسرد

استند آریتره را تصرف کنند . از این تاریخ استعمار ایتالیایی با نهایت خنوت و وحشیگری مردم آریتره را مورد ستمسار قرار داد . و همه نیاهای مستقل کشور را منهدم کرد . هنگامیکه در ۱۹۲۵ موسولینی دیکتاتور ایتالیایی به انگلستان اعسولر جنگ داد مردم آریتره خوشحال شدند چون آنرا را نعماتی برای خود تلقی میکردند و در سال ۱۹۴۱ نیروهای ایتالیایی در آریتره شکست خوردند و آریتره به تصرف قوای انگلیسی درآمد مردم فیهبندند که تنها استعمارگر سر رفته و استعمارگر دیگری آمده است .

بعد از جنگ جیا نسبی دوم هنگامیکه مسئله تقسیم سرزمین های تحت تصرف ایتالیایی مطرح شد ، به اکثر آیتالیایی استقلال دادند اما آریتره را به علت موقعیت جغرافیایی استراتژیک استقلال

تحولات اخیر ارتش

ارتش تا قبل از انقلاب بی محاسبا مردم را سرکوب میکرد ، و اساساً یکی از وظایف عمده اش نیز همین بود . ولی اکنون نه تنها دیگر مردم زیر بار این ستم سرفرقتند ، بلکه حتی خود پرسنل آگاه ارتش نیز از فرار گرفتند ، برابر مردم با داشتند . در فطنامه های پرسنل ارتش که به مناسبت های مختلف انتشار می یافت ، سکر " شاهد بودیم که خواستار عدم مداخله ارتش در مسائل درون مرزی بودند . معموماً در جایی که آیت الله طالقانی تشکیل شوراهارتنها راه رسیدگی به خواستهای خلق های تحت ستم براس می یافتند هیچگونه مغزی و توجهی برای بحالت ارتش باقی نمی ماند . هنگامیکه برخی بران جناحکار ارتش را در دادگاههای انقلاب به محاکمه میکشیدند ، در مقام دفاع از خود میگفتند که : " به ما گفته میشد برای حفظ نظم باید این خرابکارها و اعمال اجنبی را بکشید . " آیتامصعب آور خواهد بود اگر اکنون هم برای حفظ نظم در برابر اعمال بیگانه ، دوباره حربه ارتش بکار افتد . هر روز شاهد بازسازی سریع ارتش هستیم . بالاحتمال معافه هر گونه تعرضی نسبت به ساخت پاک ارتش ممنوع اعلام میگردد ، و فرماندهان و پرسنل ارتش رژیم پیشین از زندانهای آزاد میشوند . در حالیکه مومماً بشتهای حساس را در ارتش همینگونه افراد بر سهده دارند . سرورسهای مداخلات با همان کار درهای قدیم و با همان وظایف و اهداف دوباره میگردند . فراردهای تبلیغاتی ایتالیایی شده و از مستشاران دعوت میشود ایتالیایی دادگاه گراهی خویش باز کنند . اخیراً هم با استنادگی غیر قابل انتظار در برابر خواست شروع و برحق پرسنل نیروی هوا - ثی در مورد تشکیل شوراهای آگاه شده

نظامی که در بالا بر سر مردم ، بعلت ستمداری بودن و عدم تمرکزش ، توانایی کنترل بر ارتش را نداشت . (از اینسو سباه پاسداران انقلاب باین هدف کمقفل از هر ارکان دولتی در آینده حتی بتوانند وظایف شهربانی و زاندارری را نیز سه سهده بگیرند . وجود آمد . آنگونه که از ابتدا اعلام شد ، این سباه تصمیم داشت بعنوان بازوان انقلاب اسلامی جلوه گر کند . توظیفی را بر عهده انقلاب بگیرد . ولی متأسفانه بعلت وجود برخی عناصر نا صالح در رهبری آن ، بزودی غرضبکگت تاز بسا و تملیه حسابهای گروهی و شخصی شد ، که اولین دستاورد و عملکردش را در دستگیری فرزندان آیت الله طالقانی دیدیم . و این آغاز انحراف بود . عدم اسجام آید و تلوک بزایب خود را در ننه شدن سپاهستان داد . از این پس بازار مارکزدنها ، تصفیه هاو ... بسیار گرم بود . توده های پاسدار سرخورده از با صدقاتها ، بشتهای افتراها ، از انجمنی که آن را با پاسداران واقعی انقلابی - دیدند . خیلی زود اربانان بریدند . شیلور و انکسای وضع این ناراضیانی وارد جریان تحمن پاسداران در دادستانی دیدیم .

ورود پاسداران به مسائل

منطقه ای

دیکتاتوری ، تمامداری را که تاز ببلوغ و رشد خود رسیده بودند ، زیرسربوش خود پنهان میداشت ولی با ساقط شدن رژیم این تضادهای شکل براری خود را در مناطق دور افتاده این مرز و بسا بار سائها ظلم و استعمار ضفا را به سر دوش کشیده بودند . نشان داد . سالها ملتپتارها همانگونه که بارها در تجربیات خلق های دیگر با بنیات رسیده است ، به شکل سیاسی میتوان حل کرد . و راه حل نظامی تنها منجر به پیچیده تر شدن آن خواهد شد . و بس . به همین جهت با ورود پاسداران به مسائل ملی و منطقه ای - سب برانیا نه تنها فروکش نکرد ، بلکه شش ورتسز شد . از طرف دیگر فقدان توانا - شها و آموزشهای رومی و ضف ندادگانی سباه منجر به مشروعیت دخالت ارتش ،

ندا و توده انگلیس و انگلستان کردند .

در سال ۱۹۴۲ انگلیسها طریقی برای تقسیم آریتره اندیشیدند ، بدین ترتیب گبه جنوب آریتره و ارتقا و سات مرکزی به سهه مشمل شود وقتش شامل فرسی مستعمره انگلیسی باقی ماند و توده سودان نیبه انگلیسی ، نیبه مصری بپیوندند .

شود آمریکان در آریتره

امریکا که اهمیت سوا بحشی آریتره را بخوشی شرق اعظم بود فرار دادی با هیلاسلاسی سیرا طورا تهریبی بست که طبق آن حکومت اتیوپی در صورت تسلط به آریتره در آنجا بیکاه های نظامی در اغضا را امریکا قرار میداد .

در ۱۹۵۵

در ۱۹۵۵ ارتش قعد ندادن سبسات گذشته را دگرگون کند ، بلکه هر چه بیشتر در صد است حاکمیت و اقتدار گذشته خود را باز یابد . چشماً بیکران خلق ما و نیروهای انقلابی درون ارتش جنگا و امان چرخش ارتش سوی عقب را تعجب میکنند . و البته سباده گی هم زیر بار آن نخواهند رفت در همین حال کنار گذاشتن اسپر حرمسی فرمانده دژبان مرکز نشان دهنده ، تابلایی است که سرفرط از نوسانات مومسی ، با تمدد مراز قدرت توافق نیست . از طرف دیگر کنار زدن افرادی که با نظرات مبتدل تری معتقدند ارتش نباید به رودر روی مردم قرار گیرند ، و ارتش باید آگاه و دموکرات باشد ... میتواند مقدمه ای باشد برای دخالت ارتش در مسائل منطقه ای - کوب خلقی .

زنگ خطر به صدادر میا پند

بی جهت نیست که بلافاصله پس از شدن ارتش ارتش از جنبه خویشی از تمامداری های داخلی خود ، اولین اخباری که در مورد ارتش سخنانیم اینها هستند :

" دولت امنیت منطقه روسیه را به لشکر ۶۶ واکداشت و زور و دفاع میکند " ارتش باید برای حفظ نقاط آشوب زده مداخله کند . " باقیامه سادای از اوضاع و دستور العملها ای خبر ، با چند ماه قبل پس از سقوط دیکتاتوری ، تفاوت کبئی عظیمی مشاهده میشود . این اختلاعات ناشی از تلاشهای فراوانی است . برای کسب وجهه دوباره ارتش و مشروعیت دخالت آن حتی در امر داخلی ، و زمینه سازی برای موم - نی نشان دادن هر اقدامی که در شرایط خاصی توسط ارتش صورت میگردد .

با ورود ارتش به صحنه سیاسی این سوال مطرح میشود که با همین زنگ خطرری نیست که ما را به مواجبت این امر هشدار دهد ؟ و از مصابت فراوانی که در آینده ای نه چندان دور در انتظار خلق ما است ما را آگاه سازد ؟ آیا این اعلان همان ارتش گذشته را تداعی نمیکند که بهانه حفظ نظم به هر وسیله ای از جمله سرکوب مسررم شولستند ؟

گزارش سازندگی

بردمی میباشد .
 روشن است که انجام چنین تحولات اساسی در جامعه حزباً حرکتی غلط در مسیر ساررات ضد میریالیستی خلق قهرمان ما امکان پذیر نیست . چه بر اساس یک تحلیل واقع گرایانه از تحولات اجتماعی ، وقتی اساس و بنیاد این بنا - سامانها را در حضور مدام و مستمر میریالیسم جستجو می کنیم ، هر تلاشی جز حرکت در این مسیر ، بیشتر به یک ترقس مسکن است تا حل و علاج قطعی تضاد های اجتماعی - اقتصادی . چرا که حضور هر چند تعریف آید - میریالیسم در صحنه های اجتماعی - اقتصادی ، بر فرض موفقیت سرنامه های ما ، آنها را نیز از سن برده و زمین را برای تسلط مجدد خود هموار و آماده میازد . بر اساس چنین بینشی و ساد درک صحیح و توحیدی از تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه ، سازمان جوانان مجاهد ، در کنار دیگر فعالیتهای خود ، تلاش کرده و میکند ، با بسیج نیروهای فعال و دانشور برای تحقیق هدفهای غوی بکوشد .

گامی کوچک ولی ارزشمند با مردم، در جهت مردم:

از زمانیکه مسئله کارهای عمرانی، در روستاها برای فصل تابستان، در دستور کار سازمان جوانان مجاهد قرار گرفت ، روستاها با تعدد و شتابی و ارزشی بی حد ، در هر روستایی که قدم میگذاشتی ، با انبوهی مسائل و مشکلات متنوعی در روستاها و توقعات فزاینده و ان روستاها ، توقعاتی که حق طبیعی این محرومترین قشر جامعه به حساب میآید ، در بطن تمام این دهات کسسه خرابی هر کدام به تنهایی مسند محکومیت رژیم پهلوی و امپریالیسم جهانی هربا زدید کنند ما دقتی را در ضرورت استمرار مبارزه ضد میریالیستی مستحکم فرمیکنیم ، بعضی دهات نیز پیدا میشوند که غرابیایی به مراتب و مشتاقان کثیری پیشانی شان نقش بسته است .

بدنبال شناسایی ها و ارزیابیهای مفصلی که به عمل آمد ، به عیناً آنجا در غور و جوی کردیم ، دهی که در بدو ورود ناظران را به یاد آتش سوزیها و فاجعه های مفرقها سیاندا زدوده دنبال بررسی جوامع دیگرسر مسئله ، این منطقه به عنوان یکی از طرحهای عمرانی تابستانی سازمان جوانان مجاهد قرار گرفت .

مبانی آنجا چگونه دهی است ؟ و شرایط امروز آن چیست ؟

جنوب جا ده قزوین - در زمان درخانیه راه منطقه ، ده مغروبه ای بنا میباشد و آب و دما دارد ، این ده زمانی ، یکی از آبادترین دهات این منطقه بود و رای - زمینهای سرسبز و زیبا بود ، همین غمی و آب و دما ، اینجاست تا بودی و انهداش را فراهم میساخت .

فشودال معروف منطقه از دربار زلفکر تسلط و به چنگ آوردن این زمینها بود و برای رسیدن به این هدف ، از هیچ دسیسه ای فروگذار نمیگردد و طبیعی است که کلیه نیازهای رژیم سرنگون شده تا به نبرد را بین راه در خدمت خود نمود ، بطور خاص برادر معدومش که سره ای حاسی از ارتش فداطلبی شاه بود و کمترین موثری برایش انجام میداد ، او نیز نقش همیگی بکار رفتی ضد خلقی را بفرمودی به انجام داد ، توطئه دسیسه چینی آنها ، وقتی توانست بخوبی موثر شود ، فداکننده ای استفاده از شیوه های معمول و شناخته شده دیگر مانند قدرت ، دست به ایجا با اختلاف جنگ در زمین روستاها نداشت ، فرمول نیز خیلی ساده بود ، چند فرد مسلح را پیدا کردند ، گامی به گام به ده حمله کردند و آسایش مردم را سلب کردند ، چند نفر از اهالی ده نیز غریبه شده و گامی به گامی آنها و گساره خود مستقل به حریم دیگران نجا و میگردند ، نتیجه از قبیل شخصی است ، درگیری و سرغورد بین اهالی که مدتها به تنگنا ناسودگرن مزارع و آتش زدن خانه ها در آمد و سدشال آن کوچ کردن همه ، امم از تحریک شدگان و با دیگر مردم و بدنبال آن آنها در شدن زمینه برای تسلط ارباب .

ولی اوضاع و احوال متغیر اجتماعی ، به ارباب اجازت داد که علیه مردم این جنا پتیا ، به زمین مورد نظرش دست بیاورد ، که تخلیه ده ، به شکل گیری جنبش خلق ما ، هم زمان و دیگرسر آن شرایط مطلوب در جزیره ثبات ارباب برای ارتگرها ، نمی توانست محفوظ باشد .

ساکتین روستا به شهر سرگرمی و در راه ها بیسی در زمان مستقر شده به کارهای شبانه مشغول شدند ، ده مغروبه آنها نه تنها هیچ مکانی را برای بازگشتن در غور و جوی نگذرد ، بلکه حسی از ارباب نیز شراطلی را بوجود آورده بود که آنها را حتی از کفر و زکشت به زانو میماند نیز منصرف کرده بود .

امید مردم در جهت صحیح مبارزه تقویت میشود:

مبارزات امیر مردم غلبی چیزها را عوض کرد ، روستاها ن

مجاهدین شاه زمان گساره و آما زشتگی ، تضای وسیعی در جهت حل مشکلات مردم و کمک به برنامهای مردمی مقامات استان انجام داده بود ، اجرای این طرح را به عهده گرفت و به خاطر گسترده و وسعت آن بنا همگامی جوانان مجاهد و فعالان تهران دست بکار انجام داد ، آنچه که از این ده ، پست باقی مانده است به حرکت می توان گفت که قابل استفاده نیست ، زمینهای حاصلخیز آن مدتی است که بدون کشت مانده ، خانه ها و منازل سکونی همواره خراب ، سوخته و غیر قابل سکونت است ، ولذا نیازمند به بازسازی کامل میباشد ، ساختن ۸۸ دستگاه منزل ، یک باب حمام ، مدرسه ، مسجد و نمازخانه برای آن ضرورتی است ، طرحی که اکنون در دست اقدام است ، محدود به ساختن خانه ها نیست و آنهم تا اندازه ای که توان و امکانات ما ، نیروی انسانی ، مالی اجتماعی و وقت محدود اجازه میدهد .

طرح بازسازی روستا

آنچه که از این ده ، پست باقی مانده است به حرکت می توان گفت که قابل استفاده نیست ، زمینهای حاصلخیز آن مدتی است که بدون کشت مانده ، خانه ها و منازل سکونی همواره خراب ، سوخته و غیر قابل سکونت است ، ولذا نیازمند به بازسازی کامل میباشد ، ساختن ۸۸ دستگاه منزل ، یک باب حمام ، مدرسه ، مسجد و نمازخانه برای آن ضرورتی است ، طرحی که اکنون در دست اقدام است ، محدود به ساختن خانه ها نیست و آنهم تا اندازه ای که توان و امکانات ما ، نیروی انسانی ، مالی اجتماعی و وقت محدود اجازه میدهد .

انجام چنین طرحی نبرزه

ضرورت عینی . . .

سرمایه دارانی که مری خون کارگران را میگرداند با حکم و دستور رسمی ، کارخانه ها بازگشته اند ، اینان عوامل پارزایستی کارگران و کارمندان را فراهم ساخته اند ، از آنجا که اعتراض کارگران در این زمینه به نتیجه نرسیده ، باعث زدگی و دلزدگی آنان شده است ، تا اینجور جریان را در کم و کیف کار در محیط کارخانه ستوان دید ، کارفرماها و سرمایه دارانی که حتی چشم بدین سپید در وضعیت کارگران ندارند ، روند کارگران و احقاق حقوق آنها را متغذبا سناغ خود میبندد ، همگی دست بدست هم داده ، با نقشه های حساب شده سعی در سرکسروم نگذاشتن کارگران و کارمندان از حقوق حقه خود دارند ، و امروز کارشان به جایی رسیده که با نفوذ در دست حاکم به خود جرئت دستگیری و تعزین بکارگر - ان و کارمندان را نیز میدهند .

در میان تمام موضوعیهای سرمایه داری وابسته ، به تیر حملات آن شوجه شکل کارکنان است ، که این خود دلیل بروحش آنان از متعدد شدن کارگران و کارمندان میباشد . و از آنجا که همیشه دشمن به جایش که بیشتر ماضی را سطر میاندازد حمله میکند ، حمله به شوراهای در مواردی دفاع از سندبگامی می تواند دلیلی بر حقانیت آن باشد . سادماندیده است اگر تصور شود با دست روی دست گذاشتن و سبازره نکردن با سرمایه داری وابسته امپریالیسم متوال به فقر و رنج توده های مستضعف و مضمحل کارگران پایان داد ، آنها تا به گرسنگی خانواده کارکنان و بی مسکنی و گرفتاریهای ناشی از غلظت مایه داری وابسته بر زحمتکاران میوزد ، مثال سرمایه داری وابسته استعمار و نظام امپریالیستی زحمتکاران تحت ستم مثل گرگ و گوسفند است ، گرگ آرزو دارد

مقدمات و تمهیدات زیبا دیده ارد ولی نیازم مردم روستاها و محدودیت زمانی ایجاد میکند که سریع دست بکار شد ، نقشه ساختن خانه ها کشیدند و اولین سری دانش آموزان دروا را احسار



غردا دبرای کار به منطقه اعزام شدند ، دروا و اهل اشکالات زیبا دی برای کار وجود داشت ، چه از لحاظ شرایط زمستانی اردو مثل چاه و هوا ، . . . وجه مناسب کارگاه .

جوانان پرشور با سازندگی روستاها خود را میسازند:

تقریباً هیچ امکانی برای زیست وجود نداشت ، با دگرسر

کله برآکنده و بدون محافظت ، مگر همین رژیم شاه نبود که سالهای

سال با تفرقه و سرکوب تحکیمات سیاسی و انقلابی خلق ایران ، نژوهای ملی و دسترچ خلق را به دهان امپریالیسم می ریخت ، ولی از رویی که مردم متحد شدند عقب نشست و سرانجام برانورد آمد ، وضع سرمایه داران وابسته و بزرگ هم همینطور است و وابستگی کارکنان - خانجات بانبروی اتحاد و تشکل در شوراها های کارکنان بر سرنوشته خویش حاکم کردند .

در جائیکه دشمنان آزادی کارگران از دید اشتراک گرشی ، شبوروز در حال توطئه می باشند ، ضرورت کارکنان و کارمندان صدیق کارخانجات بعنوان یک وظیفه اساسی و مکتبی علیه توطئه امپریالیسم اختلافات باقی مانده از رژیم سابق را حل کرده و در شوراها کارکنان از حقوق خود دفاع کنند .

لزوم شوراها از نظر حاکمیت

خلقها بر سرنوشته خود ، حاکمیت کارگران و کارمندان بر سر - نوشت خویش بهترین بخش از حاکمیت تمامی خلق بر سرنوشته خویش است ، انسان آزاد آفریده شده و این حق است عدالتی که امرای آن به دست خلق و در جهت نفی استعمار و سربرکشی انسان از انسان عینی نیست ، بفرموده قرآن حتی به میر هم حق تسلط جبری و آمرانه را بر سر - نوشت دیگری را ندارد ، " انما انت مذکر لست علیهم بمضکر " ، ای بهر سرتو لفظ نشان دهنده راهی ، وجود تسلط و سلطه جوشی بر کسی نداری " چه رسد به قدرتی که مایه استعمارگران و فیدرمدی داشته باشد .

اگر بخاطر آوریم که انسانها برای دفاع از حقوق خود جبراً با حالتی دست - جمعی و تشکل عمل میکنند ، و با در طول تاریخ پرروزیهای مستعمران بر دستان اصلی انسانها مانند نظام برده داری و

بودن منطقه و به موم گرد و خاک منصر ، زندگی در چاه دروا مشکل میکرد و نا اقلی قابل سکونتی هم تیر به آن شکل وجود نداشت ولی آنها از همان اول دست به کار شدند ، چندینا در نصب تشکله



اشاقهای معدودی نیز آماده سکونت گردید ، در یکی دومورد اسارهای پیش را تخلیه کرده و بعد از نظافت در آنها ساکن شدند . مشکلات کار نیز زیبا بود ، روزهای اول حتی از لحاظ بیل و کلنگ و دیگر وسایل کار در مخبفه بودند ، نقشه ساختن آنها بقیه در صفحه ۲

مئودالیم همه با اتحاد و تشکل خام آن دوره تاریخی سپرده ، ستوانسم نتیجه گیری کنیم که لازمه مبارزه امپریالیسم با مردم این بهجده ترقس دشمن خلفها ، دانش یک تشکلات بهجده باغلابی است .

کسانی که میگویند کارگران را در نیستند در اداره شوراهای کارکنان بنا نهادهای صنعتی نظری داشته باشند ، دانسته یا ندانسته آنها به آسب ضد انقلاب می پیوندند ، نیروهای اجتماعی وسیعی را از شرکت در سرنوشته محیط کارشان محروم میکنند ، به تفرقه و اختلاف داخلی نیروها دامن میزند ، کارگران را نسبت به قدرت عظیمی که در اتحادشان نهفته است بی خبر نگه میدارند ، و زمینه را برای آزادی دست و پستان امپریالیسم فراهم میازد ، و روحیه انقلابی کارکنان را مخدوش میکند .

ضرورت شوراها بعنوان گامی در جهت مبارزه ضد امپریالیستی:

در شرایط کنونی ، مناسبترین شکل برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی خلق های سراسر ایران تشکلات شورایی است ، که بتواند روابط و مناسبات شورایی را بین خلقها مستقر کرده ، آزادی ضروری را تا بین نماید و همسپورها را تشکل یازد ، در عیر این صورت هیچ شکل دیگری نمیتواند ضامن حاکمیت تمامی مردم بر سرنوشته خودشان باشد ، مبارزه دیگر شوراها مناسبترین شکل ، برای تقسیم مستحوی ضد امپریالیستی مبارزات مردم است ، می بینیم که امپریالیسم آمریکا ، و امپریالیسم استعمار و مترجمین داخلی با توطئه های بنای امکانه خود هرروزه در سبب ما بخصوص در محیطهای کارگری ، سعی میکنند که اشکال بدون محتزای از الگوهای نوع سرمایه داری را به کارگران تحمیل کنند .

ضرورت عینی...

مناوت در برابر این دسیسه‌های سرمایه‌داری وابسته و تشکیل، حفظ و گسترش نیروهای کارکنان شاخص رسیدن مستقیم کارگری به حقوق منقح - سیاسی و ایدئولوژیک آنهاست. این عمل برای ادامه مبارزه‌ای است که سابقه دیکتاتوری آرایسمری. آغاز شده است. و از نیازهای اساسی تداوم انقلاب مردم است و ضرورت تشکیل شوراهای از بن‌آن حوشیده است.

در شرایط فعلی و مرحله کنونی انقلاب، برای تحقق خواستهای قانونی کارگران و کارمندان باستانی این دو در محل کار خود دست به تشکیل شورای واحدی از نمایندگان واقعی خود بزنند. شوری که بتواند پاسخگوی تمامی نیازهای صنفی- سیاسی و ایدئولوژیک آنان باشد.

ضرورت شوراهای در رابطه با زمانداری صنایع و بهبود مدیریت

دولت نیز بعنوان وظیفه‌ای ملی و تعهدی که در قبال خلق ایران دارد بایستی تمام کارخانجات سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم و همچنین کارخانجات سرمایه‌داران بزرگی را که اسالیهای سال شیوه جان مردم را کشت مانند وانما

ملی نموده، نمایندگان صالحی بامامت مردمی بر آن کارخانجات بگمارد. از طرف دیگر شوراهای کارکنان سرمایه‌داری خواستهای اساسی خود بایشان رسانیده دولت در این کارخانجات و با نماینده کار فرما در مواسات خصوصی کوچک ببردوی حق- طلبانه در جهت رسیدن به وضعی عادلانه داشته باشند. هنگام با استیضاح حقوق خود، در محبت گردن چرخ صنایع کشور داشته باشند. هنگام با استیضاح حقوق خود، در جهت گردش چرخ صنایع کشور افزایش تولید و بهبود اقتصاد کشور گام سازنده بردارند.

ضرورت شوراهای در جهت جلوگیری از تلاشهای ضد کارگری

آنچه ضرورت تشکیل کارگران را در شوراهای بیشتر میکند، در رابطه با طرح‌های خاصی است که امروزه در جامعه شکل میگیرد. هدف آنها ایجاد محدودیت و اعمال فشار بر کارکنان و جلوگیری از حرکت جمعی آنها در مسیر خواستهایشان میباشد نیروی ویژه که نمودی از آن و با اصطلاح مورد استفاده این گسترده کارگران قرار گرفته است. محتوای این نیرو، ضد کارگری میباشد. تنها از طریق شکل و هیستگلی کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراهای است که میتوان از سیاستیک شدن جریان ضد کارگری جلوگیری کرد.

گزارش سازندگی...

در حین کار تکمیل شد و با لطمه دوباره کارهایها را با پیشش آورد. ولی اراده پر شور جوانان آنها را پشت سر گذاشته و مصمم به اجرای طرح پیدا شدند. کمبودها و نارسا فیهایی موجود با کمکهای ذیقیمتی که مقامات استان گردیدند تا حدی برطرف شده و همگامی اقتصادی از خانه‌ها کشته شده و بعضی از آنها نیز دیوارچینی شان شروع گردیده است.

بطور متوسط بین ۱۵-۱۰ نفر از دانش آموزان در آنجا مشغول کار هستند، برنا مسه زندگی روزانه آنها، از مساحت ۱۰۰ متر مربع میشود. که پس از ادای نماز صبح و ورزش دستبسته جمعی و صرف میانه ساعت ۷ صبح در مهمت سرپرستانشان به سرکار میروند و تا ساعت ۱۰ عصر در آنجا در این فاصله ساعت ۱۰/۵ - ۱۰ روزه استراحت و حرف‌های میبردند. بعد از آنجا یک روز روزه و صرف آنها و ادای نماز، برنا مه‌های قدری و آموزشی جوانان شروع میشود

مطالعات گروهی یا فردی برنا مه‌های آموزشی آردو، - استراحت و قدری بازی، مطالعه روزانه و بهشتیای جمعی، بهینه برنا مه آنها را تا جنبه تشکیلی میدهد. در اردو برنا مه‌های جمعی جریان دارد. اما زکا زندگی و آموزش و مطالعه و بی تردید این برنا مه‌ها در بلا بردن روحیه جمعی به‌ها و ورشیدو ایدئولوژیک آنها نقش بسیار زیادی دارد. با این را میتوان در سرخوردنها و افکار نظرها ایشان بی‌غوسی دید. به‌غوسی که مدیریت مشکلات و سختیهای آردو، چه از لحاظ شرایط اقلیمی، آب و هوا و کار ریزی، و چه کمبودهای رفاهی و آموزشی، با ملاحظه و شور به کارشان بخشوند. البته کمترین زبانی پیدا میشوند که بعد از مدتی توقف در آردو و مجبور به ترک آن هستند ولی عمدتاً مشکلات و مسائل مختلف منجمله وضع درسی و آموزشی آنها را به اینکار و او میسازد و کمتر کمسانی هستند که مدیریت انتقاد ایشان، کارکردی منفی برای آردو متصور باشند. در هر حال، در این گوشه از

میهمانان کا ری خلاق و سازنده جریان دارد. کاری که عمدتاً روحیه شور و انقلابی جوانان متکی است. همان انگیزه‌های پاک و انسانی که آنها را به مسرمانه رزات فدیکتا نسوری و امیریا لیمیتی کشانده و اینک آنها را در شکل دیگری از این سازنده بکار گرفته است. این سرمایه‌گروها ارزشی است که در صورت وجود آن میتوان بزرگترین سدها را شکست و زمین برود را بچینا تجلی اش را می توانیم در انظار این عزیزان با شرایط سخت آردو، و دوری از زندگی شهری و انانوادگسی به‌بینیم، جوانانی که بی‌تردید سرای ما خواهد بود و آنها نیز با محدودی زاده را به همراه دارد. بخصوص که در شرایط عملی، گرمای مردها و در روزهای ما در مغان، مزید بر علت میشود بر اساسی قدم گذاشتن در جریان‌هایی که ما زندگی انسان را بدنبال دارد، و پیرا نیها را آنها دو (هم‌شروعی آن حمل) آنجا مردم را نیز بخل میکند که ما مدتی نیست. عدا پیرا ویا و رشان باشد.

نماز وحدت...

فئوشناسی و رد مطبو. حال آنکه اریشت بهره می آید آشکار بیاید. بی‌شک باید می‌بینیم با استعمار در تمام دنیا دهن خواهیم کرد اگر بیای خودنمونه

آنچه در گرما نهر جمعه منوف فشرده جمعیت میلیونی مردم آن نشان دادند یک کلام نماز وحدت خاصی از نیاز به یکپارچگی وحدت بود. بقول آیه الله طالقانی وحدتی که



مکسی از مراسم نماز جمعه که در آنجا تهران برگزار شد. در این مراسم شکره، شاهد شرکت مدها هزار نفر بودیم. آیت‌الله طالقانی همسنگی همه مردم را در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم خواستار شدند.

من بپرورد، من تعیف من مرخص سلسل بدست می گیرم، پشت تا تک می نشینم، امام عینی هم خواهد کرد، او هم پشت تا تک می نشیند. ایشان هم چنین تمامی گروهی و افتخار خلق را بشرکت آزادانه در دستا پستی که در پیش است دعوت کردند تا ریزر اتحادیه هم می‌روزی ما بر امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان مردم محروم و میلمان جهان است در میانان باقی بماند. در آرزو سر راه برداریم.

گزارشی از بزرگترین...

آشکار شد که نمایندگان بسیجی چه حاضر نبودند از خواست خود مبنی بر فعالیت شورای، یه سندیگانی، که صرفاً صنفی باشد، عقب‌نشینی کنند. و این نشان دهنده درک عمیق کارکنان از تفاوت شوراهای و سندیکاهای بود. بر اساسی طرح شوراهای علاوه بر داشتن بزایای طرح سندیکائی، از ویژگیهای سیاسی- ایدئولوژیک نیز برخوردار است. اساسنامه و قطعنامه اتحادیه، رهنمودی برای کارگران سراسر کشور. در این جمع شورای مرکزی اتحادیه دبیر اتحادیه و... انتخاب شده و پس از تصویب اساسنامه و قطعنامه، ادا مکارهای اتحادیه به آئینده بر موقوف شد. اساسنامه و قطعنامه اتحادیه شامل اهداف مترقی با نسونی انقلابی و مؤمن زنده بود، که بترتیب به بررسی می‌پردازیم:

هوشیاری انقلابی نمایندگان

آنچه این اتحادیه را نویدبخشتر میکرد، هوشیاری انقلابی برخی نمایندگان کار بود. یکی از آنان در برابر ضرورت اتحاد و تشکیل در شوراهای از روش‌های انقلاب و تجربه آنان سخن بسیار آورد. نمایندگان دیگر هوشیاری می‌گفتند: ما به مناصر وابسته بزرگ سابق و اخیر شده کار فرماهای آرایسمری اجازه نمیدهیم که ما را از زمین ببردند. با اتحاد ما را از ماکرو متلا شیمان کنند. اگر کار فرماها بخوانند که تریه و شکلات ما را بهم بزنند باید میمانند این کار را بکنند. ولی بدانند که به مولا ما روش مطالعه با آنها را میدانیم، نمود دیگر این هوشیاری و فلسفی

آشکار شد که نمایندگان بسیجی چه حاضر نبودند از خواست خود مبنی بر فعالیت شورای، یه سندیگانی، که صرفاً صنفی باشد، عقب‌نشینی کنند. و این نشان دهنده درک عمیق کارکنان از تفاوت شوراهای و سندیکاهای بود. بر اساسی طرح شوراهای علاوه بر داشتن بزایای طرح سندیکائی، از ویژگیهای سیاسی- ایدئولوژیک نیز برخوردار است. اساسنامه و قطعنامه اتحادیه، رهنمودی برای کارگران سراسر کشور. در این جمع شورای مرکزی اتحادیه دبیر اتحادیه و... انتخاب شده و پس از تصویب اساسنامه و قطعنامه، ادا مکارهای اتحادیه به آئینده بر موقوف شد. اساسنامه و قطعنامه اتحادیه شامل اهداف مترقی با نسونی انقلابی و مؤمن زنده بود، که بترتیب به بررسی می‌پردازیم:

۱- هدف: هدف از تشکیل اتحادیه شناخت و تقسیم حقوق اجتماعی صنفی، فرهنگی اعما و جنبه‌های مشکل ساختن وجهت دادن و هماهنگی فعالیتها ی اجتماعی و صنفی و فرهنگی اعما در جهت تقویت و پیشانی، از حرکتها و خواستهای انسانی جامعه، و نیز دفاع و کسب حقوق اجتماعی و صنفی و فرهنگی اعما بر اساس موازین اسلامی، برای دست یابی به جامعه بی طبقه توحیدی می باشد.

اساسنامه اتحادیه

تلاش در جهت ایجاد صنایع ملی و صنعتی شدن واقعی کشور، و از این بردن وابستگی تکنولوژیک به کشورهای خارجی، و منظور کلی مشارکت مردم در سیاستها و خط مشی‌های سازمان‌گسترش و توسعه صنایع ایران، و شرکتیای تابع وابسته، و همچنین مشارکت در انتخاب مدیران و

ستولان و دارا بورشکتیای تابع و وابسته تقسیم حقوق سیاسی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی اعما شوراهای بعنوان هدف اتحادیه، سنانگرشکتیای جریانی کارگری از فعالیت‌های صنفی و سندیکائی به شکل شورایی است. جالب آنکه نمایندگان عواما بر مضمون اسلامی شوراهای تکیه میکردند. به روش شورائی اداره امور که در زمان به‌عمر (ص) و علی (ع) به‌آه‌آه استناد می‌نمودند. آنان تمامی تلاشهای رسمی و غیر رسمی را که می‌تواند کارگران را به فعالیت صنفی محدود کرده، و از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محروم کند محکوم میکردند.

فاطمه امینی

زنده و پرتوری داشت که هرگز نشانی از ضعف و دلشکستی در او به چشم نمی خورد، او در میرتوگوش توحیدی خود، مشکلات و سختیهای سازنده را از اولو ام تکامل ارتقا انسان می دانست. در نامه‌های به یکی از شاگردانش چنین نوشت: خدا پرستان باید کارکنان روزگار خرسند بوده، تحول و تلاطم آنرا بخود تبریک بگویند. زیرا هر قدر بیشتر پیش برود حیران روزگار (بانیقد برخواست خدا) او را مستحضر، آهاده و تیز و دیکتر به سرد طریق حق می نماید... امیدوارم در مقابل (دشوارهای زندگی مانند کوه استوار و پیرا با بی‌وهه آنها را با پیشین بیشتر نادیده منقح ترسل نمائی، تا بجایی برسیم که واقفا احساس کنی هیچ ناراحتی نداری...

شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

بهترین نحوه تشکیل مجلس بررسی قانون اساسی از طریق شوراهای مردمی است شرکت فعال نیروهای انقلابی، آنها را از خطر سکتاریسم و پارتی‌داری افتادگان از توده‌های مردم دور خواهد ساخت

شرکت در انتخابات مشروط برحق استفاده همسای از رأی دولتیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروه‌ها می باشد .

جدید نداریم ، استدلال درستی است . چرا که اول باید همه پایگاه‌های نفوذ استثمار را در میان مردم از میان برد ، و آنگاه فارغ از هر فرد و گروه وابسته به استثمار ، و ماری از هر ضابط ارتجاعی به تصمیم‌گیری درمورد شرایط اساسی حاکم بر حیات مردم پرداخت .

دلیل این مطلب نیز بسیار روشن است ، چراکه استثمار و پانگه طبقاتی ریشه‌کن نشده‌ای ، طبعاً " انزفد انقلابی و کارشکنانه خود را بر هر گروه و مجلس و قانون اساسی که بخواهد در چنین فضایی تصویب شود بر حای خواهد گذاشت .

اهمیت این مطلب سجدی است که حتی وقتی خود امپریالیستهای آمریکا می‌خواهند در ایران طرح اصلاحات ارضی را بنظر آنها " متداولیزم " و میدان دادن به سرمایه‌داری وابسته بخودشان ، از طریق مجلس و قانون پیاده کنند ، موفق

نشدند . به این معنا که اختیارات و مجلس دوره هفتم قانونگذاری در طرف کنتراز ؟ ماه دو بار با توافق آنها باطلر متحول اعلام گردید . (یکی در زمان افسال شهریور سال ۱۳۰۶ و دیگری در زمان شریف

امامی اردیبهشت سال ۲۵) ابطال انتخابات افعال و انحلال مجلس شریف امامی صرفت از نارغای عمومی ، تا آنجا که بخود امپریالیسم آمریکا مربوط میبندد . ناشی از آن بود که نفوذ و تاثیر نفوذ آنها بر انتخابات و مجلس بعدی بود که همیشه برودن طرح اصلاحات ارضی را از طریق قانونی و پارلمان معمول نامکن میساخت

بمبارای مجلس قانونگذاری ناقصوت کامل نفوذ لیژیم و بعد از پانزدهم خرداد تعطیل مایندد .

ملاحظه میگردد که در صورت واصلهت نقطه نظرهای صولی فوق‌الذکر هیچ تردیدی روا نیست .

چرا در مجلس خبرگان یا بررسی قانون اساسی ، شرکت فعال میکنند

لکن با ایسجه ، به دلیل مجموعه اوضاع و احوال و شرایط کنونی ، برای شرکت فعال در مجلس خبرگان یا بررسی قانون اساسی (که از حداقل خواسته ما نیز بسی پایینتر است) نیز اعلام آمادگی نموده‌وه معرفی کاندیداهای اقدام کرده‌ایم مشروط بر اینکه حقوق ریز از جانب دولت تضمینی گردد .

الف - حق نظارت بر نحوه‌رای گیری و حفاظت ارشدوق‌ها و شمارش رای .

ب - حق استفاده همسای و رأی دولتیون و تلویزیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروه‌ها .

دلایل ما برای شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی و بررسی کاندیدا ، علیرغم تمام محدودیت‌های موجود و عملکرد مستقیم و غیر مستقیم گروه‌های فشار ، در این جمله خلاصه میشود که : با توجه بتمام اوضاع و احوال

در این بنیانه پس از شرحیاهمست تعیین کننده و سرنوشت ساز قانون اساسی نقطه نظرهای اصولی خود را در مورد این مساله بیان نموده و شقوق مختلفی نیز برای نحوه انقلابی تصویب آن مننون کرده‌وهیم . این نقطه نظرها و راه‌حل‌های مختلف که امروز نیز سبتوان هیچ خدمت‌ای بر آنها وارد داشت بطور خلاصه به شرح زیر بودند :

۱- آن قانون اساسی که بخواهد اساسترین و بهترین اصول و روابط حاکم بر تمامی خلق را مشخص کند ، تنها با مشارکت نمایندگان آن خلق ، قابل بررسی است . و الا از اصالت ، مشروعیت و حقانیت ملکی برخوردار نیست .

۲- بی‌ریزی چنین نظام‌های تنها در عیده یک شورا یا مجلس تمام خلق است که گاه موسسان نیز ناصده میبشود . در همین رابطه با سبب از اصالت و سکتولیت مشایف مجلس مورد نظر امروز کنتور مام برد ، که بر حسب نتیجه درخشان رفراندوم ، بی‌ریزی نظامی بر اساس اسلام را ارجاحت این خلق قهرمان بر عیده دارد .

۳- بهترین نحوه تشکیل این مجلس از طریق شوراهای مردمی است که می‌بایست در سراسر کنتور تشکیل شود .

۴- در صورتیکه برای این شوراها " فلتا " مقدور نشاند ، تنها با راه‌حل بنسبه عادلانه‌ای که باقی میماند ، تشکیل مجلس موسسان از طریق انتخابات عمومی سراسری است .

علاج قطعی دردهای مبین؟

البته این نقطه نظرها و راه‌حل‌های مختلف در صورتی اعتبار دارند که ما خود را از الزام به تسریع در کردارندن قانون اساسی موظف بدانیم . حال آنکه به اعتقاد

نمایندگان خلق ایران تصویب یک قانون اساسی حتی در بهترین صورت سکتاریسم نیز علاج قطعی دردهای این مبین و وضعیهای انقلاب نیست . چراکه ریح اصلی این

سبب حثوره در درجه اول به دلیل فقدان بقدرات بوده ، بلکه بخاطر سرتیکن ناعدی امپریالیست‌ها و پانگه‌های ارتجاعی داخلی است . یعنی همان کسانی که هیچ قائده و قانونی را جز جی‌اول و غار- تگری نمی‌شناسند ، علیهذا درد اصلی‌نه

درد بی قانونی ، بلکه درد قانون شکنی است . و به همین دلیل تاریخ‌سکن شدن کامل استثمار و طبقات و تبعیضات امپریالیستی ، ما به هیچ وجه تدوس قانون اساسی را یک امر محروم و ملایز نکندقتاسی

نگردیم .
مباحثه مورخ ۱۷/ خرداد ۵۸/ در ایبازه چنین میگوید : " سبتر ما اگر کسی بگوید تا پایان موفقیتا نیز مرحله بعدی انقلاب ، یعنی تا مملو کلیه آثار سکتاریسم بالیستی و وابستگی‌های استثماراری در همه سلوح نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی و غیره ، ساری به موسسان و قانون اساسی

سیاسی و اجتماعی حاضر ، در مجموع شرکت کردن خود را بر شرکت نکردن ترجیح می‌دهیم ، به آن حد که حتی ناگزیر شدیم برای کام برداشتن در سمر وحدت سیاسی گروه‌های ترقیخواه مسلمان ، فخرت مشترک را کاندیداهای را بپذیریم که " بمعنا " (بدلیل نحوه برخوردشان ، سیاستهای سلطه قدرت) آنچنان هم‌اتکس اجتماعی و ایدئولوژیکی با ما نداشته و علیهذا چندان مورد قبول طرفداران ما نبودند . لیکن ما بدون اینکه قصد معامله

با رای جمع کردن هرچه بیشتر داشته باشیم یا بدین یک فهرست مشترک را در رابطه با کلی منافع انقلاب بایران ، در شرایط موجود ضروری نمی‌دانیم . زیرا از پیش روشن است که با توجه به ضعف کمی و تشکیلاتی نیروهای آگاه و انقلابی در سطح جامعه ، هرگونه تلاش ترقی برای جمع کردن نیز نمیتواند تاثیر تعیین کننده‌ای در نتیجه

آرا" بسود ما داشته باشد . بویژه که ما هرگز نمیتوانیم در سیر جلب رأی از اصول مکتبی و انقلابی خود عدول کنیم .

بهر حال دلایلی که با مجموع شرکت کردن ما را در انتخابات مرجع و اجتناب ناپذیر نبود بطور خلاصه از اس قرارند :

۱- پاسداری از ارزشهای مکتبی اسلام راستین - برای اینکه در میان توده‌های عوام اسلام و قرآن مرصه میبشود ، حق را از باطل و انقلاب را از ضدانقلاب مجزا کنیم ، لازم است با توده‌های مردم از یک

موضع فعال مواجه شده ، و عقایق امور را با آنها در میان بگذاریم ، بمارت دیگر از آنجا که تدوس یک قانون اساسی که مطابق با ایده‌ها و راه‌حل‌های حقیقت‌ساز باشد کار فوق‌العاده خطرناک و سرتیکن است .

انقلابیون مسلمان نمیتوانند در این رابطه بی‌تفاوت باقی بمانند .

عکس همان ضرورت‌هایی که در طی سالهای دراز بردوش آنان سلاج میگذشت اکنون قلم در کفشان میگذارد و پانگه‌ها را به پشت بلندکوها میکشاند . آنها و طبقه دارند تا در قبال قوانین سرتیکن‌ساز و

اساسی ارزشهای مکتبی را در سببترین سطح ممکن بصورت ارائه کنند . برای ما قبل از آنکه مساله این باشد که این آردتها بصورت قوانین بدون و مصوب و پذیرفته شده درآید ، آشتیای توده‌های مردم با این ارزشها مطرح است . بدین ترتیب

بجای آنکه به قیام و قومدهای پارلمانی (که یک چند ارزش و قانونی را میبپذرد و یک چند تیر خلاصه امپریالیستیک) چشم دوخته باشیم به ارتقا " وحدان و آگاهی توده‌های نسبت به ارزشهای سکتاری بخش اسلامی نظر داریم . همان ارتقا " سطح شعور و بشن اجتماعی - مکتبی که در سیر امرایش خود سرانجام آن شرایط

ضمنی را که لازمه یک انقلاب پیوررشد حقیقتاً " اسلامی است ، ندارد که خواهد دید . انقلابی که بواع را کمال اجتماعی و فردی نوع انسان را یکی پس از دیگری تا وصول به فله رفاهی و یکسانی از میان بخواهد داشت .

ملاحظه میبشود که انقلابیون مسلمان نمیتوانند چنین فرصت‌های را هر چند ناچیز و مختصر از دست بدهند . بنابراین بگذار تا توده‌های مردم بویژه طبقات محروم و فقراهای جوان و بالنده با حقیقت اسلام هرچه بیشتر آشنا شوند . و مدعیان کاذب و ریاکار را از رهروان راستین بشن از پیش باز نشانند .

وقتی ما بفرجام پیورر مدعیان مبارزه عادلانه ایدئولوژیکی بطنش هستیم ، وقتی میدانیم که همه انواع اسلام‌های (شرکست آمیز و طبقاتی و وابسته به جملرتیخرید سرتیکنان مغلوب اسلام واقعی) امپریالیستی ، حامدی ، علوی ، حسینی و ... میبشوند ، پس دیگر از ورود به این مبارزه چمبک ؟ بی‌جهت نیست که اگر اشتراک با یو مرتجعین ترجیح میدهند که منصرف شوند معاهدت پیوررشد و صحنه راه تمام و کمال برایشان خالی گذارد .

اینجاست که برای ورود هر چه فعالیت با یکدیگر با توجیه به موارد فوقی ستوان نشنجه گرفت که دیگر عدم شرکت در انتخابات سببچوجه قابل قبول نیست . به بیان دیگر واداری به وظایف و رسالت‌های مرامی و انقلابی شرکت هرچه معادلسر ما را اقتضا میکند . بخصوص که معتقدیم شرکت فعال نیروهای انقلابی صرفت از اینک آنها را از خطر سکتاریسم و پارتی - افتادگان از توده‌های مردم دور خواهد ساخت .

۱- پاسداری از دستاوردهای انقلاب - پیورر سبب توده‌ای - در حالیکه فرغیم و سازندگاری با محاسن ارتجاعی همان تلاش دارند که انقلاب و دست‌آوردهای انقلاب بی‌راسی اثر ساخته ، و انقلاب سرتیکن صحنه وادار کنند . در صحنه سیاسی نیز ما مجبار بوده و نتیشیم که میدان نپیورر را خالی گذاریم . اگر چه بروشنی میدانیم که در یک مبارزه و مساله نامبار بر اساسی ایدئولوژیکی وارد شده‌ایم که شرایط و قوا -

نیم آن را ماضین نمیکنیم . اما همین امکانات و فرصت‌های فوق‌العاده‌ها چیزهاییست که میتواند در اختیار ما قرار گیرد بازهم نمیتوان از آن‌ها صرف نظر نمود .

۲- پاسداری از آزادی - اعتقاد به اصالت آزادی انقلابی ، در روند تکامل فردا اجتماع ایجاد میکند که برای امر آن هر فرصت و امکانی را ، مستشم بشماریم . و به اکتساب آن به هر صورت اقدام کنیم . ما اعتقاد داریم که بدون

آزادی و احترام به اختیار و حریت بشری هیچ نمایی برای تمام انقلابیون کاسل فردا و اجتماع باقی نمیماند . بنابراین انقلابیون مسلمان نمیتوانند در این رابطه هیچ فرصتی را نادیده بگیرند . اگر چه این فرصت‌ها با دیوارهای بلند انحصار - طلبی سخت محدود شده‌اند . بویژه که میدانیم چنین دیوارهای میبکاهد بدون شکاف و طارخ از نشانی و تضاد نیست .

۳- پاسداری از جنبه‌های وحدت نمای امپریالیستی با دولت حاضر - از آنجا که تفاوت دولت حاضر با نظام گذشته نیازی به تشریح ندارد ، ما خود را موظف میدانیم تا وقتی که امکان تاثیرگذاری مدوکرانیک و انقلابی بروفست موجوداز مالمب شده ، بر حینه‌های وحدت عدم

امپریالیستی خود هر چه بیشتر تاکید نموده و در این رابطه تا سکا کمالکان داشته‌باشد موضع فعال و مشت بگیریم . اگر چه می - دانیم که این فعالیت لازفل در مطلق حاضر نتایج چندان چشمگیری نخواهد داشت .

۵- پاسداری از وحدت نیروهای ترقی‌خواه مسلمان - ضرورت حرکت هر چه سریعتر بجانب فرام وحدت صمد - استعماری تمام نیروهای خلق بطوراسم و سروهای ترقیخواه مسلمان بطوراسم نیز شرکت فعال ما را در انتخابات اقتضا میکند . توضیح اینکه استنادی مقاومت در برابر اردوی راست که سرودنا به دنیا خود بلکه اسلام و انقلاب و رهبری سراسر مقدوش و بی‌امتنار سازد ، در قدم اول تنها و تنها با هم‌اتکلی و عملکرد متحدان انقلابی و رادیکال و ترقی‌خواه مسلمان امکان پذیر است . و اینهم چیزی است که در چهارچوب‌هایی نظیر همین سالها انتخابات میسر است . یعنی بر سر مسائل که هر نیروی ناگزیر به موضگیری است . که ضرورت موضگیری ، ضرورت ایجاد و بنا فنی یک سری رابطه‌ها را (در جهت وحدت ملی نیروهای ترقی و در جهت سرزدن و دور شدن از نیروهای مابینا " مخالف) پیش روی میگذارد .

اکنون با توجه به موارد فوقی ستوان نشنجه گرفت که دیگر عدم شرکت در انتخابات سببچوجه قابل قبول نیست . به بیان دیگر واداری به وظایف و رسالت‌های مرامی و انقلابی شرکت هرچه معادلسر ما را اقتضا میکند . بخصوص که معتقدیم شرکت فعال نیروهای انقلابی صرفت از اینک آنها را از خطر سکتاریسم و پارتی - افتادگان از توده‌های مردم دور خواهد ساخت .

۱- پاسداری از دستاوردهای انقلاب - پیورر سبب توده‌ای - در حالیکه فرغیم و سازندگاری با محاسن ارتجاعی همان تلاش دارند که انقلاب و دست‌آوردهای انقلاب بی‌راسی اثر ساخته ، و انقلاب سرتیکن صحنه وادار کنند . در صحنه سیاسی نیز ما مجبار بوده و نتیشیم که میدان نپیورر را خالی گذاریم . اگر چه بروشنی میدانیم که در یک مبارزه و مساله نامبار بر اساسی ایدئولوژیکی وارد شده‌ایم که شرایط و قوا -

گفته از اینها خلق ما نورود در یک تیربه انتخاباتی نمیتواند ورود اصالت آزادی‌ها را حکم رده ، و از این میان متناسب‌ترین راه‌ها را برای استمرار انقلاب خود برگزیند .

مجاهدین خلق ایران
۲۱ / تیرماه ۵۸

فهرست نامزد های همشورک

- مجلس بررسی قانون اساسی در برخی استانهای کشور :
- آقای یحییان شرفی :
- ۱- آقای احمد صیغف نژاد
- ۲- آقای حسین عمرو شاهی
- ۳- آقای حاج موسی شیخ زادگان
- حمراسان :
- ۱- آقای طاهر احمد زاده
- ۲- آقای منصور سازرگان
- ۳- آقای دکتر محمود دل آسای
- ۴- آقای دکتر سیروس سها نسقه در صفحه ۸*

قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه

قوانین اساسی بر کل روابط و مناسبات بین مردم حاکم است

قانون اساسی بر پایه دیدگاه ایدئولوژیک و نظرگاه اسلامی تدوین می شود، اهمیت آن دوچندان می گردد.

نظری گذرا به تمامی سیستم های اجتماعی، بخوبی نشان میدهد که هر سیستم اجتماعی (با هر مفروضات و محتوای اقتصادی - اجتماعی) برای تثبیت حاکمیت خودش، و برای اجرای برنامه ها و اهداف مورد نظرش، ناگزیر از تنظیم و تدوین قانون اساسی است.

زمانیکه انقلابی واقعا به پیروزی میرسد، نظامی کهنه در هم می ریزد، و نظامی نوین میخواهد جایگزین آن شود؛ این پایه گذار و بنیاد ریزی نظام جدید و رطریقی تعویب مجموعه ای از اصول و قوانین تعیین کننده صورت می پذیرد، که بر کل روابط و مناسبات (امم از حقوقی، سیاسی و...) بین مردم حاکم است، به همین دلیل " قانون اساسی " نام دارد. بنابراین این قانون اساسی پوش و چار و چوب حقوقی و قانونی حاکمیت یک سیستم اجتماعی را تشکیل میدهد. و این سیستم بدینوسیله بخود مشروطیت بخشیده و عملکردهای خود را از اعتباری قانونی برخوردار میکند.

اهمیت قانون اساسی

قانون اساسی مشتمل بر یک سری قواعد و احکام اساسی و بنیادی است، که کلی ترین قوانین و روابط یک سیستم اجتماعی را مشخص (مثلاً سرمایه داری) را متعین می سازد. به عبارتی دیگر سراسر اجام تمامی قوانین و روابط حقوقی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، و... بنحوی ازانها از قانون اساسی ناشی می شوند. بنابر حقیقت قانون اساسی حیاتی ترین سند سیاسی اجتماعی، اقتصاد و... موجود در یک کشور است که همه مسائل و مشکلات دیگر را بر اجاع به آن حل می شوند.

قوانین اساسی به همین وجه در مرتبه قوانین عاری نیستند بلکه منبع استخراج روح - حاکم بر قوانین مادی میباشد به عبارتی دیگر برای قوانین معمولی نقش " مادر " را بازی می کنند، چرا که قوانین معمولی از قانون اساسی زائیده میشود و از آن سرچشمه میگردد. به همین دلیل در حالی که در قوانین معمولی از " ماده " (Article) صحبت می شود، در قانون اساسی به

جای ماده با " اصل " مواجهیم مانند " اصل " اول و... این تیزروتن است که تمام ممویات قانونی مجالس قانونگزاری بعدی تا آنجا اعتبار رونفوذ دارد، که مخالف اصول قانون اساسی نباشد، و الاغویب خود منتفی است.

پس مبالغه نیست اگر گفته شود که قانون اساسی بخوبی ازانها با سرنوشت و آینده تمامی افراد یک جامعه مشخص (نه تنها نسل حاضر، بلکه نسلهای بعدی) در ارتباط است. زیرا از طریق قوانینی که قدرت حاکم بر اساسی آن تنظیم میشود، تمامی افراد و احادیک جامعه در تقید و بند قوانین و روابط عامی قرار می گیرند، و از امکانات حقوقی ویژه ای برخوردار میشوند.

در اهمیت قانون اساسی همین بس، که بهترین مسائل حیاتی یک مملکت نظیر حقوق ملت، اختیار ارات دولت، قوه قضائیه، رابطه ملت و دولت، نحوه انتخابات و قوانین جاری و... تا ما " به وسیله آن تعیین میشود. بدلیل همین اهمیت است که مجالس قانونگزاری معمولی (غیر از مجلس مؤسسان) و تغییر دادن و نسخ یا نسخ حتی یکی از اصول قانون اساسی نیز عاجز بوده، و برای تغییر آن مجدداً با یکی به یک مجلس مؤسسان جدید رجوع کنند.

تدوین قانون اساسی بر پایه یک ایدئولوژی

مسئله تدوین قانون اساسی زمانی اهمیت بیشتری پیدا میکند، و ضرورت بر عود با آن جدی تر میشود، که ما بخواییم قانون اساسی را در رابطه با یک دیدگاه ایدئولوژیک و نظرگاه فلسفی مشخص اسلامی بدون تعقیب، اینجا دیگر گذشته ارتدوین قانون اساسی با تمام ویژگیها و مسائلی که بدان اشاره شد، (بطور عمده رابطه آن با سرنوشت و آینده تمامی افراد جامعه)، در حقیقت بسنگ ایدئولوژی و مکتب است که به محک آزمایش گذاشته میشود، تا در جریان عمل و در بر عود با مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی احسان خود را پس دهد. زیرا سراسر اجام معیار امانت یک ایدئولوژی و درست

و غلط بودن (واقعی یا غیر واقعی بودن) تمییزات فلسفی آن، عملکردهای اجتماعی اش می باشد. تدوین قانون اساسی در شرایط اجتماعی خاص در همین ما، از جنبه ویژگی بر عود ارات. زیرا اکثریت کسانی که میخواهند دست به تدوین قانون اساسی بزنند، مدافع اسلام تلقی شده، و سعی میکنند که بر اساس اصول و سوزن اسلامی چنین کاری را انجام بخواهند.

اسلام با چهره ای نو

ایدئولوژی اسلام و سنن انقلابی آن در سرازات اخیر مردم، که منجر به سرنگونی رژیم مطلق شاه شد، نقش مؤثری ایفا کرد. این تأثیر گذاری با اندازه ای بود که باعث شد که اسلام با چهره ای نو و متفاوت با گذشته، در صحنه اجتماعی ظاهر شود. (حتی در سطح بین المللی)، در میان قشر جوان و روشنگر جامعه ای نوزاده ایجاد کرد. بسیاری که بحالت ملگردهای مذهب موجود در جامعه نسبت به مذهب اسلام بدبین شده بودند، گرایش نسبت به این ایدئولوژی پیدا کردند. زیرا بعد از ظهور سرازات مجاهدین خلق در پیشت مسازات - اجتماعی خلق ما، آن هم با شکوهی برای ایدئولوژی امیصل و واقعی اسلام، (که تصویر انقلابی اسلام را عرضه میکرد) این در حقیقت ظهوری بود تازه و مجدد در مکتب مسازات اجتماعی (۱)

پس در شرایط حاضر از اسلام سخن گفتن و بحث نام آن به تدوین قانون اساسی نشستن، گذشته از مسوولیتی که خود تدوین قانون بعهده مسازات گذارده با این مسوولیت را چند برابر می کند. درست است که هرگونه مملکت در ارتجایی و نادرست زیر لوی اسلام، نمی تواند به امانت این ایدئولوژی عهده ای وارد کند، ولی در شرایط حاضر که غلبه از تیرها (چه در داخل وجه در خارج) چشم به این تهریه ستاره دوخته اند، اگر قوانینی که تدوین میشود، نتواند مسائل و مشکلات اجتماعی حال و آینده را بطور انقلابی و اساسی حل و فصل نماید، نتیجه اش چیزی جز فریبه ای مجدد بر پیکر این ایدئولوژی و تا شدیدی بر نظرات کسانی که این ایدئولوژی را ردیفنا بر ایدئولوژی های سیرای طبقاتی قرار می دهند، نخواهد بود. چون برای کسانی که به اسلام اصل و واقعی

آشنائی کامل ندارند، منکرند کسانی که ادعای اسلام داشته و از قدرت سیاسی برای پیاده کردن سفارشات بر عود دارند، بهر حال ملایک و معیار رفتار و تزار خواهد گرفت.

تفاوت گذشته و حال

در گذشته بحالت حاکمیت رژیم دیکتاتور و خودکامه، طبعاً امکان پیاده شدن اسلام امیل و واقعی پیداگی فراهم نبود، در نتیجه عملکردهای ارتجایی و نادرست تحت پوشش اسلام، فریبه ای منگین بر پیکر آن ایدئولوژی وارد نمی کرد، و تا حدودی قابل توجیه بود. ولی در شرایط حاضر که دیکتاتوری ساقط شده است، اگر قوانین تدوین شده مطابق با روح و جوهر اسلام اصیل و واقعی نباشد، طبعاً آغ زها نبار و مملکت خود را خواهد گذاشت. لذا هیچ زمینه ای برای توجیه چنین عملکردهای در پیشگاه خدا و خلق وجود نخواهد داشت.

در هر صورت توده های مردم حمایت بهدین خود را نشان کسانی می گذرند که می خواهند حکومت مدل اسلامی را در مملکت پیاده کنند. اما این حمایت پایه دلیل اعضادی است که به آیه الله عمینی دانسته و پایه دلیل انتظاری است که از حکومت مدل اسلامی دارند، و اثر در رابطه با الحکومهای چنین حکومتی نظیر حکومت بها سیر، حضرت علی (ع) و... می بینند، ولی اگر از این امتداد و حمایت در جهت بر آورد کردن خواست ها و نظرات مردم پیاده کردن اسلام امیصل و واقعی استفاده نشود، این حمایت سرازاتیم به خود خودش تبدیل خواهد شد.

اگر جمهوری اسلامی که رای قاطع و اکثریت مردم به آن داده شده، در عمل به حاکمیت طبقه ای بر مافراقتا و وظائف اجتماعی تبدیل شود، و اگر اسلام و سابقه درخشان حاصل توجیه و مشروطیت ندارد، محققان و طبعا " اشتضار و سیر کفی قرار گیرد، دیگر چگونه می توان انتظار داشت که باز این مردم (حداقل در کوه امت) آن چنان که ساندبه اسلام اعتماد کنند.

مسئولیت و انتظارها:

بناظر درک همین مسوولیت تاریخی مهم است که مجاهدین خلق ایران بر عهده خود میدارند که در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی که بسنگ سند ایدئولوژیک و تاریخی است نقش نمایی بعهده بگیرند. برای ما سأل این نیست که همین امروز نقطه نظرهایمان بصورت ممویات قانونی وارد متن قانون شود، چرا که بخوبی میدانیم که تا چنان موقعیتی

که اسلام واقعی و راسخین قابل تصویب و تا شدیدا حد - هتوز فاصله زیادی باقی مانده است بهیمن دلیل ما از شرکت فعال خود، عملاً چیزی بریتر از - با رکوشی مؤمنگیر بیای انقلابی اسلام، بر اساسی ترین مسائل حیات و معاش مردم، انتظار داریم، بگذار آنها که نمی بریم، بگذار آنها که میخواهند بشنوند، و منتظر از همه گوش شنوای تاریخ، آنچه با دلبطین آنگند، باشد که اگر چه در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی امروز این میهن تا شیر خمین کننده ای نداشته باشد، ولی میر فزاد را روشن سازد.

(۱) : آنهم با توجه به اینکه بعد از فریبه غیبت با راپورتو - نیشکاری چپ نما، بسیاری از روشنفکران امتداد خود را نسبت باین ایدئولوژی و عمل کرده انقلابی آن از دست داده بودند.

آیت اله طالقانی در مراسم

تقدم منافع جنبش بر منافع گروهی

من لفظ یک توجیه بعضاً دارم و آن اینکه باید تحول این سه شمار نفی اشتضار و موا مل اشتضار، نفی اشتضاد بصورت و نفی اشتضار... رهبران مذهبی اجواسای مذهبی جوانها میدگر فرور با عت شکست است، بخودخواهیها، خود بینیها جمعیت پرستیها، گروه برستیها صادق همین آیه است.

" نقطه طواا مهم بینیم زیرا " کل حزب با لیدییم فرحون، فذره غنی فرجه مقسی " حین " (سوره مومنون آیه ۵۲) بگذار در گرداب عود تا به پیچیده بکوت توجیه میشوند که همه چیز را از دست داده اند... کاری کنیم که در این مقطع تاریخ نگوید فلان حزب غیا نت کرده و حرکت را متوقف نشود، انقلاب را منحرف کرد. فلان جمعیت چنان که هر مرام در مقابل سرازاتیم، چیزی نیست با بدعا را در نظر داشته باشیم. وجدان مومنی و نسل آینده را در نظر داشته باشیم. آنها همان طوری که ما گذشتگان و زندگسی آنها را تجزیه و تحلیل میکنیم، اعمال ما را تجزیه و تحلیل - فراموش کرد، کاری نکنیم که مورد ذفرین آنها واقع شویم.

۳۰ تیر ۱۳۰۰



اصول کلی یا جوهر و روح حاکم بر قوانین چیست و شناخت آن چه اهمیتی دارد

بدون شناخت جوهر و محتوای یک سیستم قانونی نمی توان مسایل جزئی و فرعی را بررسی کرد.

اسلام تکیه گاه اجتماعی خود را در هر شرایط تاریخی مستضعفین همیشناست.

ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز.

موردیکه در یک بررسی مجرد وجدای از اصل اساسی سیستم قضایی هدسی موجود قابل توضیح و تفسیر نمی باشد. در یک سیستم اقتصادی اجتماعی نیز وضع به همین ترتیب است. بطور مثال در یک جامعه سرمایه داری با مسایل مختلفی مواجهیم: از نابرابری های اجتماعی گرفته تا فساد و فحشاء، مناسبات کالایی بی بندوباری، از خود بیگانگی و... طبعاً هر کدام از موارد فوق به مثابه مظاهر از این سیستم اجتماعی، پدیدارند. این مظاهر را می توانیم با مسایل مختلفه آنها را برای آرزوی ما روشن کند. ولی راه هم رسیده، و تصویر کلی از این سیستم اجتماعی ارائه دهیم، که اصول اساسی حاکم بر آن (روح جوهرش) را شناخته باشیم. روح جوهر مناسبات سرمایه داری، چیزی جز امالت دادن به سرمایه داران (امالت ارزش اضافی) و سود جویی نمی باشد. بر این اساس دیگر مولاتی از قبیل: از خود بیگانگی، امالت مالکیت اشتراک گرانه، ابزار و وسایل تولید، مناسبات کالایی، مفاسد ناراشی های اجتماعی و... نه به مثابه مسائلی مجزا و جدای از یکدیگر مطرحند. بلکه قیفاً در رابطه با هم و حاصل و نتیجه مناسبات اشتراک گرانه (امالت ارزش اضافی و سود) میباشد.

۴- چگونه یک قانون اساسی را مورد بررسی قرار دهیم.

بهبوی پیداست که اگر قانون اساسی بخواهد در رابطه با چنین سیستم اقتصادی اجتماعی مدب شود، ملزم به تأکید اجتهاد و بررسی قانونی بر آزادی های دموکراتیک (فردی و اجتماعی) دارد، ولی در نهایت جز وسیله ای در جهت رشد و گسترش مناسبات سرمایه داری نخواهد بود. بدلیل اینکه اساس چنین مناسباتی بر اشتراک انسان از انسان گذاشته شده است، لذا در اینجا عنصر تعیین کننده و دارای ارزش و امالت، همان مناسبات موجود است. در نتیجه آزادی های دموکراتیک تا زمانی قابل تحمل خواهد بود، که به اساس سیستم ضربه ای وارد نازد.

در چنین مناسباتی هنگام با نوسانات وضعیت اقتصادی - اجتماعی، با نوساناتی در روند آزادی های دموکراتیک نیز مواجه هستیم (۲). در یک سیستم حقوقی نیز نتایج مشابهی که اصول کلی این سیستم، با جوهر و روح آن را شناخته باشیم، میتوانیم سائل قوانین جزئی تر آن را مورد بررسی قرار داده، و از کم و بیش آنها اطلاع حاصل کنیم. بطور مثال در سیستمی که اساسی بر امالت دادن بحقوق فردی (انسانی - بدو آلیس یا فردگرایان) است، طبعاً مالکیت (اشتراک گرانه یا برابری تولید) نیز مشابه

کنیم که قانون اساسی به یک سیستم اجتماعی مشروعیت بخشیده، و با آن ماکس می دهد که مملکت دعوی مختلف خود را امام از: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... در رابطه با آن تحلیل و توجیه کند و گاه بدون کترش و اکثریت جنسای (حد- اقل در کونه ادت)، برنامه های مورد نظرش را به مرحله اجرا درآورد. حال میخواهیم به بررسی قانون اساسی پرداخته، و به نقد یا تدوین آن بنشینیم. اما سؤالی که مبدتاً مطرح است اینست که: از کجا بایستی شروع کرد؟ معیار این بررسی چیست از چه موقع میتوانیم ادعا کنیم که یک قانون اساسی بر- می تنظیم کرده ایم؟ و یا بهتر از آن قانونی بر اساس اصول و موازین اسلام اصیل و واقعی ارائه کرده ایم؟

۱- روش بررسی نظام اجتماعی

برای پاسخ به سؤالات فوق از یک ساله ساده شروع میکنیم. بر مائیکه با یک پدیده مشخص برخورد داریم، بویگوا - هم از کم و کیف آن اطلاع پیدا کنیم، بایستی قانون مندیهای حاکم بر آن پدیده را شناختیم. که در حقیقت بیان روابط ماهوی پدیده است. در غیر این صورت قادر نخواهیم بود علیرغم شناخت های جزئی و پراکنده تصویری درست و همه جانبه از آن پدیده ارائه دهیم.

حال اگر بجای یک پدیده مشخص با مجموعه ای از پدیده ها مواجه باشیم، که در رابطه با هم یک سیستم را تشکیل میدهند، دیگر نمیتوان بسادگی تک تک اجزاء تشکیل دهنده سیستم را بطور مجرد و جدای از یکدیگر مورد بررسی قرار داده و بخواهیم از این طریق به شناختی کامل و همه جانبه از این پدیده برسیم. شناخت دقیق و کامل اجزای این سیستم، نمی تواند فارغ از شناخت اصول کلی حاکم بر آن (روح و جوهر آن) صورت پذیرد. یعنی همانطوری که در بررسی و شناخت همه جانبه یک پدیده، لزوماً بایستی توانیم سائل بر آن را کشف کرده و شناخت، در برخورد با یک سیستم نیز قبل از پرداختن به بررسی های جزئی و پراکنده، با بستی اصول اساسی و کلی حاکم بر آن را شناختیم، بدین ترتیب شناخت گشتا گشتای جزئی و پراکنده، میتواند در رابطه با یکدیگر قرار گرفته، و در کادر کلی سیستم تجزیه و تحلیل شود. برای ورودی شدن مطلب چند مثال میزنیم:

هندسه اقلیدسی را در نظر بگیریم: در اینجا با یک دستگاه یا سیستم هندسی مواجهیم، که درگیر کننده انبوهی از اشکال و احکام هندسی است. تنها زمانی قادر خواهیم بود، برای تک تک این اشکال توجیه مناسبی پیدا کنیم، که اصل اساسی این سیستم را شناخته باشیم (۱). در

کم خواهیم شد. و با توجه به تعمیمی بودن بحثی از جنبه های ساله (جنبه های حقوقی آن) راه بجای نمیبریم. روش است که قوانین اساسی که در کشورهای غربی تنظیم شده، در نهایت در خدمت منافع سیستم سرمایه داری است. مانند سیستم بدون توجه به ماهیت این سیستم ها، و جوهر و روح حاکم بر این قوانین اساسی، به الگو برداری از آنها پرداخته، با حک و اصلاحاتی بخواهیم یک قانون اساسی برای شرایط خاص برینمان ارائه دهیم.

۴- پیش نویس قانون اساسی در زره بین اسلام اصیل

موقنی که از جوهر و روح حاکم بر اسلام، در رابطه با تدوین قانون اساسی صحبت میکنیم، منظور مستوجهی است که این ایدئولوژی برای انسان تعیین کرده، جامعهای است که میخواهد ایجاد کند، و بنا اساسی است که خواستار آن میباشد. بطور مثال ما خواهان نقلی استقامت از نظر اجتماعی هستیم. میخواهیم مناسباتی عادلانه برقرار کنیم. در این صورت بایستی مقدماً "فناهی از قبول اشتراک، زمینه های عینی اجتماعی، و روش های مبارزه با آن، و... و روش های مبارزه با آن، و... و روش های مبارزه با آن، و... تا بتوانیم بر اساس اینها، قوانین و ضوابطی را تدوین کنیم، که در جریان عمل بتوانند هدف مورد نظر ما را (مناسبات عادلانه اجتماعی) جامه عمل بپوشاند. با "مثلاً" خواهیم برقراری دموکراسی واقعی هستیم، و میخواهیم در جامعه مناسبات بر اساس دموکراسی ایجاد کنیم. البته توجه داریم که بین دموکراسی واقعی و نفی اشتراک و رفتن مناسبات به روشنائی معنوی و ارگانیک برقرار است. در این صورت بایستی قبل از اینکه بطور یکجانبه آنهم بصورت شماری بر این ساله تأکید کنیم، بهتر است دموکراسی، زمینه های عینی و واقعی آن (زمینه های اقتصادی - اجتماعی) را تحققیق آن نهاد های مختلف (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) که میتوانند این تحققیق کنند، بهره داریم. در چنین صورتی است که مستوجه سیستم صحبت از دموکراسی کردن بدون پرداختن به یک مبارزه ضد امپریالیستی صرفاً جنبه تشریحی دارد. و با صحبت از نفی اشتراک بدون دفاع از منافع طبقات مستضعف (در این مرحله تاریخی کارگران و دهقانان) و بسا بدون مبارزه با طبقات اشتراک گر، صرفاً جنبه شماری داشته، و "مثلاً" امکان پذیر نخواهد بود.

در این رابطه بود که در جریان رفرا اندوم، سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد، که اگر چه جمهوری اسلامی حکومت ایده آل و مورد نظر سازمان است، و تلاش و مبارزه بهر سازمان نیز در نهایت در جهت تحقق چنین حکومتی میباشد، ولی بایستی برای تمام کسانی که کمترین حکومتی را میسندند ما از مکتبای آن اطلاعاتی ندارند، ابتدا بطور کامل، صریح و روشن خطوط کلی و مرحله های چینیسی حکومتی را روشن نمود، سپس آن را در معرض نظر خواهی و رای گیری قرار داد. در شرایط حاضر نیز چنین است. شاید خیلی از مردم باشند که اصلاً "با این سائل آشنائی نداشته باشند، و با توجه به جنبه های تعمیمی ساله بخود نیز اجازه ندهند که در این قلمرو وارد شده، و در مورد ساله اظهار نظر کنند. ولی این

امری طبیعی و ذاتی انسان تلقی شده، و لذا محترم شمرده میشود. در چنین دستگاه حقوقی هیچکس حق تجاوز بحرم مالکیت دیگری را ندارد. بدون اینکه حدود مسرر این سائل در نظر گرفته شده باشد، و شخصی گرد که مالکیت تا کجا امالت داشته و از حقانیت برخوردار است، و در چه شرایطی لزوماً بایستی الفاء شود. در چنین قوانین حقوقی طبعاً "حقوق اجتماعی تحت الشعاع حقوق فردی قرار خواهد گرفت. با امالت دادن به حقوق فردی مناسبات اشتراک گرانه اجتماعی توجیه و تفسیر میشود. طبعی است که هر چه سیستم بر د نظر بچهد و تری باشد، طبعاً "درک جوهری روح حاکم بر سیستم، و شناخت اصول و قوانین اساسی آن ضرورت بیشتری پیدا میکند. یک دستگاه نظری "مثلاً" یک مکتب یا سیستم فلسفی) را در نظر بگیریم در این جا با نقطه نظرها و تحلیل و تفسیر های مختلفی مواجه هستیم. با سائل گوناگونی طرح شده و پاسخ های مختلفی به سائل مبتلا به انسان داده شده است، برای فهم و درک سائل مختلفی که در چنین سیستمی مطرح است، بایستی قبل از پرداختن مسائل فرعی و جزئی، سراغ اصول کلی و اساسی آن برویم. یعنی بتوانیم تم مقدماً روح جوهر حاکم بر این سیستم را تشخیص نماییم. زیرا همانطور که توضح داده شد، نمیتوانیم بدون شناخت اصل یا اصول اساسی، سائل جزئی و فرعی را تجزیه و تحلیل نموده، و صحت و یقین آنها را تشخیص نماییم.

در اینجا تمامی سیستم نظری (ایدئولوژیکی)، در نهایت بر یک اصل اساسی متکی است. یعنی در حقیقت بر اساس تئوریتی که از وجود و هستی بعمل میآورد. متکی میباشد. در اینجا تمامی سیستم نظری (ایدئولوژیکی)، در نهایت بر یک اصل اساسی متکی است. یعنی در حقیقت بر اساس تئوریتی که از وجود و هستی بعمل میآورد. متکی میباشد.

۳- معیار اسلامی بودن یک سیستم یا قانون اساسی.

از نظر اجتماعی صدانیم که روح کلی حاکم بر اسلام چنین است: "منافخ با اشتراک، و خواستار نفی تاریخی آن است، و همچنین تکیه - گاه اجتماعی خود را در هر شرایط تاریخی مستضعفین قرار داده است، و صدانیم که اسلام صحبت از حاکمیت نهایی و تاریخی مستضعفین و صالحین در روزی میسند: **لَا تَرَىٰ لِلرَّسُولِ لَیْسَ لَیْسَ لَیْسَ** با وجود اینکه دیگر بسادگی دیدگاهی که بخواهد اسلام را بطور تاریخی مدافع اشتراک (ولو در ابعاد کوچک) و بسا طرفدار امالت مالکیت بهر مقدار باشد، تولید بداند، غیر واقعی و غیر توجیدی خواهد بود. و با در مثال دیگر، شناخت موقع واقعی زن در اسلام مشخصاً "در برتر و درک و شناخت جوهر و روح قانون اساسی، (که تمامی قوانین اجتماعی که در آن منتشر شده اند)، بویاگاه ای از یک گاه واقعی اسلام (جوهر و روح آن) با اصول اساسی حاکم بر آن، میتوانیم به نقد و بررسی قانون اساسی پرداخته و در مورد آن اظهار نظر نامی درمیر این صورت طبیعی است که در مجموع معای از قوانین و تشریها و تفکرهای سایر

در اینجا دیگر نقطه ای است کمی - شود از گفتن اصول صرف نظر کرده، و با تکیه بر مصالح سیاسی روز از کنار سائل بسادگی گذشت. ما بده مبارزاتی سازمان نیز بخوبی مود این ساله ات، که در این سائل، ما بخواهیم از این طریق به شناختی کامل و همه جانبه از این پدیده برسیم. شناخت دقیق و کامل اجزای این سیستم، نمی تواند فارغ از شناخت اصول کلی حاکم بر آن (روح و جوهر آن) صورت پذیرد. یعنی همانطوری که در بررسی و شناخت همه جانبه یک پدیده، لزوماً بایستی توانیم سائل بر آن را کشف کرده و شناخت، در برخورد با یک سیستم نیز قبل از پرداختن به بررسی های جزئی و پراکنده، با بستی اصول اساسی و کلی حاکم بر آن را شناختیم، بدین ترتیب شناخت گشتا گشتای جزئی و پراکنده، میتواند در رابطه با یکدیگر قرار گرفته، و در کادر کلی سیستم تجزیه و تحلیل شود. برای ورودی شدن مطلب چند مثال میزنیم:

برصده عناصر متزلزل و اکامالت که آنها را در جریان امر قرار داده، و سائل را بطور کامل برایشان روشن کنند. تا آنها بدانند که مناسبات و مناسباتی باور اساسی، که تحت عنوان اسلام به آنان عرضه می شود، چیست؟ و اگر به قانونی رای میدهند یا ضوابطی را می پذیرند، آگاهانه و آزادانه باشد.

۵- ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز.

اگر واقعا مستخدم که ایدئولوژی اسلام برتر و بالاتر از تمام ایدئولوژی ها است؟ اگر این ایدئولوژی است که در انجام باسکوی تمامی سائل و مشکلات فردی و اجتماعی میباشد، پس دیگر ترس ما چیست؟ چه ماملی باعث میشود که سائل را بطور کامل بصورتی صریح و روشن درمعرض قرار دهیم؟ و آثار عمومی قرار میدهم؟ زمانی که مردم احساس کنند که حکومتی که تحت پوشش اسلام، و جمهوری اسلامی فعالیت میکند، از اظهار نظر در مورد اساسی ترین قوانینی که مسرورت یافته آنها در ارتباط است، آزره دارد، و با آنها را بصورت کلی و مبهم برقرار میکند، چگونه میتوانند به مسرورت های حال آورده، آنرا عماد داشته باشند. درست است که مردم ما شاید از یک دیدن در جریان حکومت علی (ع) و بهایر (ص) سوده مانسند ولی هر کدام به مزاور حال گونه هاشی از آنرا میداند. و شاید این معیار و موازین مناسبی باشد برای قضاوت آنها.

لذا ذات که سازمان مجاهدین خلق ایران و طبعه خود میداند که در این مرحله و مطلق جزئیات را از تاریخ میسند، که از ویژگی خاصی نیز برخوردار است (یعنی قدرت سیاسی حاکم میخواهد ایدئولوژی اسلام را در عمل پیاده کند)، برای ورودی شدن اذهان افراد و عناصر متزلزل، تجربه سازمانی - تشکیلاتی خود را در جهت شناخت اصول اساسی و کلی (روح جوهر) اسلام اصیل و واقعی در اختیار عموم قرار دهد.

اینجا دیگر نقطه ای است کمی - شود از گفتن اصول صرف نظر کرده، و با تکیه بر مصالح سیاسی روز از کنار سائل بسادگی گذشت. ما بده مبارزاتی سازمان نیز بخوبی مود این ساله ات، که در این سائل، ما بخواهیم از این طریق به شناختی کامل و همه جانبه از این پدیده برسیم. شناخت دقیق و کامل اجزای این سیستم، نمی تواند فارغ از شناخت اصول کلی حاکم بر آن (روح و جوهر آن) صورت پذیرد. یعنی همانطوری که در بررسی و شناخت همه جانبه یک پدیده، لزوماً بایستی توانیم سائل بر آن را کشف کرده و شناخت، در برخورد با یک سیستم نیز قبل از پرداختن به بررسی های جزئی و پراکنده، با بستی اصول اساسی و کلی حاکم بر آن را شناختیم، بدین ترتیب شناخت گشتا گشتای جزئی و پراکنده، میتواند در رابطه با یکدیگر قرار گرفته، و در کادر کلی سیستم تجزیه و تحلیل شود. برای ورودی شدن مطلب چند مثال میزنیم:

۱- هندسه اقلیدسی، بر این اصل صدایی استوار است: از یک نقطه خارج یک خط (در داخل یک صفحه) یک خط بیشتر نمیتوان به موازات آن رسم کرد. ۲- همانطوری که میدانیم دموکراسی در سیستم های بیرونی دیکتاتر باشد - در رابطه با، و بطور عمده حاصل دوران سرمایه داری واقعی است. ********* این سوری مقالات در شماره های بعد ادامه مییابند

برادر مسعود رجوی..

زی سارمان درآمد. در این دوره و در تدوین کتب ایدئولوژیک سازمان و تقاسیم فرآیند و نهج البلاغه که معاداً منتشر گردید، شرکت داشت. در سال ۲۷ در گروه ۱۶ نفره ای نیز که برای استخراج و تدوین استراتژی انتخاب شده بودند به فعالیت پرداخت.

سال ۲۹ همراه اولین سری برادر- ان منجمله برادر عهیدافردیدگان ان جهت مذاکرات و آموزش نظامی به فلسطین رفت. او در مجموع جنگهای سنیاسر اردن در میان بود.

پس از بازگشت از فلسطین در گروه سیاسی، تنظیمات و مرکزیت سازمان متحول نگارند و همراه برادران بنیانگذار سازمان و دیگر برادرانی که مکنی شهید شدند نقش خود را در رهبری معاهداتین خلق عمده گرفت.

دستگیری

همراه با اولین موج وسیع دستگیری شهرور سال ۵۵ مسعود نیز دستگیر شد و سپس همراه اولین سری مجاهدین خلق در زندانگاه شاه خاش با امداد محوم گشت دفاعیه او در زندانگاه، بعدها به خارج از اردن راه یافت و در زمان رهبری صافی رضایی همراه سایرین دیگر از دفاعیات توسط سازمان منتشر گشت. این دفاعیه بعدها چه در داخل و چه در خارج کشور بارها تجدید چاپ گردید. حملاتی از دفاعیه او را در اینجا می آوریم:

" رژیم چاره ای جز شدت عمل ندارد. و این نشانه احتیاج اوست. انسان بدون گرماتری تصفیه نمیشود. این فلسفه هستی است. استب یا فردا شب آخرین شب است. از ریختن خون یکفر صدها نفر مثل او، بر صبرند باید زوری به ملت عاشقین را به دادگاه کشاند. مرکز آمریکا و امپریالیزم درود بر مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند."

مسعود گرچه به امداد محکوم گشت ولی معاداً " رژیم شاه به علت فشارهای متعددی که یک نمونه آن سفر آقای گروه ساینده مجلس سوسس همراه ۱۲ ختو- فدان دیگر به ایران بود از اجرای حکم اعدام خودداری کرد. در آن زمان متداول این بود که افرادی را که در مجازات نشان تخفیف قابل سبقتند در مطبوعات اس تخفیف را تحت عنوان بداعت و نوشتن نامه عفو اعلام میکردند. نمونه های زیادی از این گونه اتهام هادر مطبوعات آنروزها چشم میخورد. مثلاً " وقتی محکوم ست مجاهد شهید مصطفی خوشدل از اعدام به ابد تبدیل گشت علت آنرا اظهار بداعت نوشتند! ولی از آنجا که مسعود دادگاهش ملتی بودند و نامه اش نیز موجود بود و زدن اس مارککشان نداشت در روزنامهها سبانه لغوا امداد او را هنگامی با رژیم اعلام کردند!

مسعود تمام مدتی که در زندان بود فعالیتهايش شدیدا تحت کنترل پلیس قرار داشت. بارها برای ردیابی فعالیتهايش او را به کمیته برده و شکنجه دادند سالی ۵۳ و ۵۴ مرتباً زیر بازجویی قرار داشت. از او اطلاعات مربوط به سایر راجعایش با بیرون و فعالیتهايش در زندان را میخواهند. گفتن محوری او در

فعالیتهايش زندان ام از برنا بریزی های طاووت در برابر پلیس و همچنین تعلیم و تربیت کادرهای مجاهدین از آنجا ان اهمیت برخوردار بود که رژیم لحظه ای از وی غافل نمیگشت.

شکستهای که در این مرحله متحمل گشت، توان فیزیکی او را به خطر انداخته بود. بارها تنها باین علت که دیگر احتمال شهادت داشت دست از شکنجه اش برداشتند ولی او هر دم جبهه قویتر از دفعه قبل از آزمایش استولیت پذیری در برابر خدا و خلق برساند بیرون میآمد. او هنوز آثار شکنجههای دو عیمان ساواک را به صورت عوارض شدید جسمی ندک میکند. در این دوران و بخصوص پس از فرجه خاتمانه اپورتیستهای چپ و سوسیالیست گریهای مرتجعین راست بهترین فشار و استولیت سازمانی را به عهده داشت. وی آماج حملات شترمین و مرتجعین قرار داشت چرا که بار استولیت مکتبی میا- هدین خلق را بلجویی بردوش خویش احساس میکرد و با تمام وجود علیه آنحرف و ارتجاع که معرفت تا سید سازمان را بر- ایدازد ایستادگی میکرد.

پس از آزادی زندان

بالاخره وی همراه با آخرین سری زندانیان سیاسی رژیم خاش و در ارج تمام قهرمانان خلق و جهت سردم زدن آزاد گشت. او در اولین سخنرانی خود پس از زندان در دانشگاه تبریز چنین گفت:

" مگر میشه خورشید رو گشت، مگر میشه باد را از وزیدن باز داشت و باران را از باریدن. مگر میشه آفتاب را از غمت کرد، مگر میشه بهار را از آمدن باز داشت، مانع رویشدن لالهها شد مگر میشه ملتی را تا بهابد اسیر نگه داشت، مگر میشه تا ابد خلقی را در زنجیر نگه داشت، آنه چرا؟ این خواست خداست. اراده خلقه سنت تاریخه، قانون اجتماعه، وکن تجد کسفا لله تبدیلا" وکن تجد کسفا لله تحویلا"

مسعود پس از پروزی مردم در بهمن ماه ۵۷ باز زدن بیگیری را علیه امپریالیزم و ارتجاع لخطای حتی ترک نکرد. بخشی از فعالیتهايش گسترده او و تا آنجا که به روابط خارجی مجاهدین خلق مربوط میشود در مطبوعات این دوره کموبیش منعکس گردیده است. و حال مسعود از طرف مجاهدین خلق نامزد انتخابات مجلس بررسی سبانی قانون اساسی شده است. کسی که در اولین روزهای رهائی از زندان فریاد برآورد که: ما سرنده ایم که زربگیریم و بقینا از همین بدگاه در ابسی مبارزه شرکت خواهد کرد و شرافت توحیدی و انقلابی خود را پاس داشته و در این صحنه نامبرابر و تا خواسته نبرد رسالت خویش را به بهترین وجه به انجام خواهد رساند.

پشتیبانی از نامزدهای

مجلس بررسی قانون اساسی

ما امضا کنندگان زیر به لیست نامزدهای گروههای:

گزارشی از یک دیدار...

ایجا دیک رابطه فدرا تیوریزر نظر آن سازمان به وابستگی بیشتر به همیشه صورت قانونی داد. در حالیکه انما پندگکان ا برتیره در این کمیسیون خبری نبود. به این ترتیب منافعی آمریکا و اسرائیل که میسی - خواستند تیویبی با یکا هسی برای استعما رجدید با شدو هم چنین منافعی تیویبی که به این وسیله راهی به دریا پیدا سی - میکرد تا مین میشد و در این میان آن کس که به حساب نیامد و خاکش مورد معامله سیگانگان قرار گرفت خلق شکنجیده و محروم ا برتیره بود.

بعد از این جریان، مسلمانان را با این بین تمیعات به صورت مختلف و از جمله نظر هراتی که انجام می دادیم به گوش سازمان ملل رسانیدیم و چون این شیوهها موثر نیفتاد، در سال ۱۹۵۷ مینا - رزه را بصورت تشکیلاتی آن

فهرست نامزدها..

- ۱- استاد محمد تقی شریعتی
۲- آقای دکتر مهدی منگری
۳- آقای دکتر حسن اسدی لاری
۴- آقای جواد برای
۵- آقای دکتر کرمانیان
۶- آقای دکتر محسن مصلوحی
۷- ماراندران: آقای حسن اکبری - مرزناک
۸- آقای دکتر مراد علی زهری
۹- آقای سیف الله کبیریان
۱۰- آقای دکتر محمد رضا روحانی

- ۱- جنش - جنش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) جنش مسلمانان مبارزه سازمان اسلامی شورا (باش) - سازمان مجاهدین خلق ایران
۲- حضرت آیت الله طالقانی (در صورت پذیرش خود آن حضرت)
۳- آقای دکتر حبیب الله پیمان
۴- آقای علی افشار حاج سجودی
۵- آقای محمود رجوی
۶- آقای دکتر کاظم سامی
۷- آقای مهندس عزت الله سعایی

شروع کردیم و در سال ۱۹۶۰ جبهه آزادیبخش ا برتیره بعنوان یک سازمان سیاسی تشکیل شد و یکسال بعد یعنی در ۱۹۶۱ مسأ دست به مبارزه مسلحانه علیه حکومت هیستلاسی زدیم در حالیکه بهرگز گه تفسه سلاح جویز دیگری نداشتیم، رهبر مبارزه مسلحانه شهید ما مد ادرسی صا قتی بود. ما در سرا بر خود علاوه بر تیویبی، آمریکا، اسرائیل و فرانسه را داشتیم که به دوست تیویبی کمک میکردند، اولین رابطه بین الطلی ماتا سیس دیگری بود در سوسیالی در سال ۱۹۶۲. واکنون همک با یکاه تعلیماتی نظامی در سوریه داریم.

مجا هدی: تحلیل شما از رژیم هیستلاسی رژیم لعلی به لحاظ اقتصادی و سیاسی چیست؟ احمد ناصر: در تحلیل ما (جبهه آزادیبخش ا برتیره) عواملی از بین رفتن رژیم هیستلاسی در درجه اول، فشار مبارزاتی ما و در وهله بعد تفاوت های درونی رژیم بود. نظام طبقاتی کهنه فتوال - سورژوا و شدت فشار مرتبطات محروم اجتماعی که باعث رشد جریانات دانشجویی

- ۱- آقای ابودرورداسی
۲- آقای هادی مؤتینی
۳- آقای کریم حاج سید جساودی
۴- چهار مجال بختیاری: آقای مهندس احمد نوربخش
۵- همدان: آقای مهندس داوود میلانی
۶- آقای دکتر رحیمی نظیری
۷- کیلان: آقای شهباز شهبازی
۸- آقای ظاهر خوش خلق
۹- آقای هادی پورگل
۱۰- خانم دکتر طاهره صفارزاده
۱۱- حجت الاسلام دکتر علی نفوری
۱۲- آقای دکتر ناصر کاتوزیان
۱۳- آقای دکتر سعید الکریمی لاهیجی
۱۴- برای مجلس خبرگان رای می دهیم. عباس سیمی - مهندس وهاب زاده - هوشنگ مطعی - علی اکبر حاج بابا - عباس راد دنیا محمدتقی انوری - جساواد مهاجری - محمدطاهری - دکتر حسین اشراقی - احمد علی بابائی

و کارگری علیه آن گردید. و بالاخره پیوستگی نظام که خود استعما رگران همه پندگکان این نظام نمیخواهد دنیا را بشد. با توجه به فقدان یک سازمان و شکل سیاسی در تیویبی، ارتش تنها نیروی متشکل در کشور بود. ۱۲۰۰ نفری که شورای رهبری ارتش بودند همه از جانبیک واحد ارتش انتصاب شده بودند، بدون این که پشت سر آنها یک جبهه سیاسی وجود داشته باشد در حقیقت تیویبی که ایجاد شده بودند برای شریک انقلاب بودند برای شریک یک جریسان سیاسی، این گروه با خود هیستلاسی رابطه داشتند و رفته رفته جدا شدند، و بعد از اینکه قدرت را در دست گرفته دو کار انجام دادند یکی اینکه وابستگی آنها بلا سلاسی را اعدام کردند دیگر اینکه اطلاعات ارتش را به مرحله اجرا درآوردند.

ما میان رژیم جدید همبستگی از جنبش کارگری تیویبی و بخشی از جنبش دانشجویی تیویبی است و نه همه آن. ما بعنوان یک جریسان انقلابی این تحولات را تحولاتی مترقی و مثبت تلقی میکنیم و در مقابل یک طرح مآدهای برای حل مسئله داریم:

- ۱- بر سر بیست و شش حق ما بر همین سرنوشت خودمان
۲- حل مسئله ملیتها به شیوه ای انقلابی.
۳- تمام جریانات سیاسی موجود که در زمان هامل سلاسی مبارزه میکردند در جبهه واحدی قرار بگیرند و سرای بیطرفست و روشنفکر جدید مگوشند.
۴- ما معتقدیم و تجربه های بسیار هم این اعتقاد را تا شید میکنند که در کشورهای جهان سوم کودتاهای ترقیخواهانسه اگر پشتوانه سیاسی نداشته باشند، اگر چه شمارهای خیلی خوبی هم بدهند باز ساجا مشان با سادات است و بیانگیری. چرا که بعد از انقلاب سوسیالیستی اکثر انقلابها در کشورهای مستعمره را می ماهبتی میگردانند و ملتی هستند. چون در این کشورها تعدادی بین پرولتاریا و بورژوازی نیست بلکه بین خلق و امپریالیست است. که بعد خود بورژوازی سر کار میآید و در راه بهشتندارد. با با بدرا سوسیالیست را پیش بگیرد یا در سرمایه داری راه بسته را در راه امپریالیست لیبمیتند، ما اکنون با چنین دیدگاهی با تیویبی سرغورد میکنیم. این میان چه بود. آیا دارای یا بگای در ا برتیره بود؟ تا تمام

اسلامی ماجز مانده، و تسلیم تاہلات جاہلی و اشراقی خویش گردیدند. آنان کہ برخی از صحابہ پیاسر نیز در میان آنان بودند، تدریجاً از حقیقت اصل اسلام فاصله گرفتند و دین را وسیلہ دنیای خویش ساختہ و از تمدن دہ در پی منافع فردی خود رفتند... خلاصہ بی سروصدا اشراقیست جدیدی بوجود آمد کہ تشہار شمرات غوری اشعارات و شہادا و فہرہ رسانیهای گذشتہ و نزدیکی بہ پشواوی انقلاب یعنی پیاسر بود. انحراف تا بدانجا کشیدہ شد کہ بعداً " در دوران بیاسیہ صحبت از برتری اعراب بر دیگر اقوام بہ میان آمد، آنہم بہ این دلیل کہ رہبر انقلاب یعنی پیاسر از میان اعراب بود - خاست و بنابراین آنها پاسخی امتیاز خاصی نسبت بہ غیر عرب داشتہ باشند؛ بتدریج سطلمہای مال انسندوزی و اشہار طبقاتی بستہ شد. برخی از صحابہ در عین آنکہ در اجرام وظایف خود دستگیر بودند احکام و حدود را با تاقلیت اجرا میکردند. ولی مشی اقتصادی - اجتماعی آنان چنان بود کہ راز را سر نرودند و استعمار مردم بطور مطلق نمیست. آنان بطور کلی بہ مقلدانندہ اسلام در زمینہ نفی استعمار و تم اجتماعی و تشکیل جامعہ فسط بر پایہ مستغنین نرسیدہ و در این زمینہ تشری و سادماندیش بودند. در نتیجہ انحراف در طول زمان گسترش یافت و بتدریج بہ سطح اوج خود رسید. بررسی عمیق این جریان نشان میدہد کہ جریسان موق عامل انتقال ثروت و دسترنج توجہ مردم بہ اقلیت ستازی بود کہ سران اموی در راس آن قرار داشتند. ویژگی این جریان در شکل حاتم بخشی ها و گاردن خویشان بر مناصب مهم، توجہ بہ تجلات و زراندوزی و راحت طلبی خلاصہ مید.

مردم بیجا خجورند:

آنها همه موجب میشود کہ رفتہ رفتہ نطقہهای مبارزہ علیہ این جریان در میقتند کہ جریان فوق مسجد پیاسر را بزرگ میکند ولی هدف انقلابی او را رها کردہ زیر پا میگذارد. حق و عدالت را کہ از ارکان اسلام و محتوای توحید است بہ صورت شہارهای بدون محتوا در ساق آورد. سرانجام مردم خشمگین کہ از این جریان انحرافی در ہلوس اسلام بہ تنگ آمدہ بودند میخوردند. آنگاہ اسوہ تودہما بہ جانب علی (ع) روان شدہ و از او دعوت بہ کار میکنند. امام علی نیز چنانکہ در خطبہ ۳۳ - کوید: " بر اسام دعوت تودہما و عوایت حاضرین ضرورت و وجود پیاسر برای خلقها و لزوم پاسخ بہ تودہما ی بہا خاستہ و اینکه خدا از ادانایان بہیمان گرفتہ است تا بر سری ظالم و گریستی مظلوم آرام نشینند" (وَمَا أَتَىكَ لَتْلُؤٌ عَلَيَّ لَأَلْفَاؤُكُمْ إِنِّي لَأَلْفَاؤُكُمْ عَلَيَّ كَيْفَ تَأْلَمُونَ وَ لَأَتَّخِبَنَّ مَظْلُومٌ ...) مستقرت جدید را سیدہ دار میسود. و در غلبہ اش ملافلسہ پس از بحث با مردم غط مشی و راہ خود را اعلام میکند.

نکتہ بسیار قابل توجہ در این خطبہ اینست کہ امام علی در اولین قدم حکومت خود، بر روی پایگاہ

اقتصادی - اجتماعی رزم و جریسان انحرافی یعنی اشراقیت زمیندار بینی - اسہ انگشت میگذارد، ولیہ تشریحات خویش را توجہ نطقہای از زمینداران بزرگ میکند کہ نفوذ روزافزونی یافتہ بودند. این طبقہ فریاد داری شہار را بدست گرفتہ، و با استعمار دسترنج بردگان و تصاحب غنایم و زمینہا - اشراقیت جدیدی را بوجود آوردہ بودند. آنہا هر روز اراضی جدیدی را تسول خویش مینمودند، و بساط خوشگذرانی و ہری پرستی و ثروت اندوزی را گسترش میدادند و کارآئی و قدرت را از خلافت ہم گرفتہ بودند.

امام علی سخن خود را با حمله بہ اشراقیت زمیندار، این پایگاہ کثیف رزم و جریان انحرافی آغاز میکند، و با تاقلیت اعلام مینماید: " وَاللَّهِ كُوِّ وَوَعِدَتْهُ كَذَّ ثَرْوَةٌ مِنَ الْيَتَامَىٰ وَتَمَلَّكَ بِأَيْدِيهَا كُرْدُؤُهُ ... " (سوگند بعدا بخشیدہها رادر هر جا کہ بہایم صادرہ خواہم نمود. حتی اگر این اموال بہ گامین زنسان رفتہ و با آن کنیزان خریدہ شدہ باشد. (البتہ توجہ داریم کہ در تراسیست تاریخی دوران کاسخ غلبہ در آن شرایط بہان شدہ " عامی بردگی " غرب و فروش برده و کنیز از امور رایج در جامعہ های مختلف بودہ است.) موردی را کہ علی: در جملہ فوق مثال مینماید "مسلم درہ" دارا شہای بخشیدہ شدہ، حتی اگر صرف خرید کنیزان و پاکباین زبان شدہ باشد) توجہ بہ شرایط اجتماعی - تاریخی و فرهنگ عامی آن زمان، بخاطر حساسیت ویزمهای استگسبیت مہموض در مردم وجود داشتہ است، و خود نشانہ تأکید و تاقلیت امام علی در مورد تصمیم فوق مینماید. یعنی پائتاری - سخنانہ بر روی غط مشی " صادرہ ثروتیانی کہ از دسترنج مردم بدست آمدہ "، و اینکه هیچ قیمتی وبامح مذر و بہانہای حاضر بہ گواہ آمدن نیست و استثناء نمیباشد.

دگرگونی سطحی یا بنیادی:

خط مشی امام علی بطور کلی این است کہ انقلاب را تا نابودی کامل تمامی مظاهر سلطہ رزم طبقاتی و نهادہای آن و بجز مہما پایگاہ اجتماعی آن در مرحلہ مشخص تاریخی، یعنی اشراقیت زمیندار، ادامه دہد. ملی بخوبی آگاہ است کہ انقلاب مردم با رهبری علی و حکومت او خاستہ نیافتہ، و پاسخی در اولین قدم ہی از بدست گرفتن سؤولیت و رهبری در مسر اداسہ انقلاب بہ خلق ہی از این اشراقیت جدید در بنطن اسلام دست یزدند. اشراقیتی کہ با تظاہر حالوانہ بہ اسلام، بہ سطح و تشریح محتوای انقلابی مکتب برداشتہ و بنام اسلام و سواد استفادہ از آن زمین دار، گسردار و برده دار شدہ است. و سرود کہ مسر جنبش را مغانسر اف بکشاند. علی میدانست کہ انقلاب بدون برداشتہ بہ این سالہ مهم، اجتماعی - اقتصادی، ناقص و رو بہ افول خواہد بود. و در نہایت چیزی جر یک تمہیر سطحی نمیباشد و اساس و بنیاد نظام رادست نخورده، باسی خواہد گذاشت. و دشمن دوبرارہ خواہد توانست بہ شیوہ دیگر و از راهہای جدید جدیداً نفوذ نماید و حاکمیت

خویش را باز یابد، اینست کہ مہمبیتیم امام علی قبل از هر چیز، و قبل از بر - داختن بہ خیلی از بدعتہای دیگری کہ ارتجاع برجای گذاردہ بہ مہمگیری برعلیہ پایگاہ اقتصادی - اجتماعی جریان ارتجاعی برداشتہ و مہم است کہ آن را بطور کامل ریشخکن سازد. بدین سبب است کہ اولین بہانہ خود را با اعلام مواضع سرخشانہ خود یعنی برصادرہ اموال و زمینها و بخشیدہها شروع مینماید. و بدین ترتیب رزم اموی و نظام اشراقیت وقت را، از اساس و بنیاد آن متزلزل میسازد.

و درست بہمین خاطر یعنی طرز عمل انقلابی علی است کہ تمامی استعمار - گران نرودند و انگلہای اجتماع کہ تجاوز بہ حقوق دیگران اساس شیوہ زندگی شان را تشکیل میدہد، سراسیمہ شدہ و برعلیہ ملی بسیج میسوند. تشریحی چون طلحہ و زہر زدن دیدند با اعلام غط مشی علی موقبت و منافعان بہ خطر افتادہ است تصد و بہمان های اسلامی خود را زیر پا گذارند. بسا سواستفادہ فرصت طلبانہ از سوابق نزدیکی خود با پیاسر و نیرنگا گہمی تودہ مردم، یک جریان انحرافی را بامنضم شدہ، و بسا با مشی ملی، برای ادا خستند، و بسا شیوہای فرصت طلبانہ و متفرغانہ و ہا وارونہ جلوہ دادن حقایق ہیادی دشمنی با ملی را گذاشتند و جنگ چمل را بہا نرودند. آنها از این را بہ انقلاب مردم پشت کردند، و بزرگترین حدت را بہ دشمن گیتہ تیز و قدرتمند و سحرگاہ خارجی یعنی معاویہ نمودند. اینان از علی امتیاز سخاوت و فکر می کردند کہ علی را میتوانند در برابر خویشی خود تسلیم کنند، و بہر مس دوران گذشتہ سهم ویزمهای در تقسیم بہت اللال ببرند.

مضمون عدالت در منطق امام علی:

اما علی در برابر آنها با تاقلیت ایستادگی کردہ و سوگند میخورد کہ: " اگر بہت اللال مال شخصی ہی هم بود آن را بطور مساوی تقسیم میگردم، ہی چگونہ میتوانم نماز مساوات مثل کرد در حالیکہ دارائی از آن عدالت" (خطبہ ۱۲۶) (در خطبہ دیگری میگوید: در حالیکہ دارائی از آن مردم است) بنابراین ملی، دست در بہ سبتہ استاز طلبان میزند، و مصمات کہ بہ مردم وظیفات محروم روی آورد، وراہی را برود کہ بہ تحقق خواستہا و آرزوهای تودہهای فقیر و تحت ستم سستی گردد. ملی برخلاف سیاست اقتصادی گذشتہ، کہ بہترین عامل انحراف و درہم - ریشخکی و فلاکت جامعہ بود، شیوہ کیفی و متناوبی را در پیش میگیرد، کہ رشد و مہم جنبش جامعہ و توسعه اقتصادی عادلانہ را تا مین خواهد کرد. این سیاست همانا اتحاد شیوہ "مدل" و گراہیست بسط طبقات تحت ستم جامعہ است: " فَإِنَّ فِي الْقَدَرِ يَمَّةٌ (عسا) توسعه و رشد واقعی در گرو انتضایرہ "مدل" است (.) این راہ "مدل" است کہ فاصلہ های طبقاتی را از بیس مہبرد. و قدم نهادن در آن مستلزم روی نمودن بہ مستغنین و طبقہ محروم و زحمتکش اجتماع مینماید. راہی کہ مہمواستیارات طبقاتی و حرکت بہ جانب نفی استعمار

در نہایت این ارزشهای عدالتی و تکاملی است کہ، گشاندہ، مہم شہی دستیها و تنگناہا و سختی راہ است. ارتضای کہ نہایتاً " در تیزی و قدرت تودہها متبلور میشود، ملی برخلاف مدافعان راہ رشد غیر عادلانہ و سرمایہ داری، اصالت را بہ مائل انسانی و خلافتت مردم میدہد و نہ شکبک و سرمایہ. دستوربہای راہ اصولی و درست، هرگز نمیتواند مجوز عدول ما از آن، و شایب و انحراف گردند. تاوہ در اینصورت یعنی اگر انحراف رادر پیش گیرم، معلوم نیست از این مشکلات راہی باہم و باشکلات پیچیدہ ترولاب - بصل دیگری مواجہ نگردیم. اینستکہ ملافلسہ علی (ع) در دنبال مطلب میگوید: " وَرَبِّي فَاقِ تَمَلَّكَ الْمَسْكِلَ فَالْبُؤُورُ عَلَيْهِ أَمْسِي " (بر کسی کہ اتحاد شیوہ عدل سخت آید، بدون شک، راہ غیر عادلانہ سختتر است و او را با تنگناہای بیشتر روی برو میسازد)

یعنی این تأکید است کہ هرگز نہایتی سختیها و تنگناہای، کہ بر اثر بریدن از طبقات مزیند و استازرگر و روی نمودن بہ مردم محروم و سید، آن، بطور مطلق داسگیر انقلاب میسود، ما را دچار هراس نمودہ، و مقورناتیم. زیرا کہ امکان خروج از این مشکلات در صورت انحراف از عدل وجود ندارد و بہ بن بست دچار گشتہ ایم. بلکہ واقعیت اینست کہ این مشکلات کہ لازمی ہمودن این راہ هستند، ہمگی کوتاہ مدت میباشد. برعکس، این راہ انحرافی، مسر غیر عادلانہ توسعه است، کہ بدلیل عدم آنگاہ آن بہ خلق وسیع نگرش آنها در مسر توسعه اقتصادی، سرانجام محکوم بہ بن بست و شکست است.

انتخاب شیوہ غیر عادلانہ ممکن است در کوتاہ مدت، قدرت توسعه و گشایش اقتصادی ظاہری و بیخلفی را فراہم سازد ولی در طولانی مدت با تناقضات لاینحل و تنگناہوں بنست - های گریز ناپذیری دستگیربان خواہیم شد کہ سختیهای آن ممرات بیشتر از طریقہ اول در (توسعه عادلانہ) خواہد بود.

گشایش و توسعه اقتصادی غیرعادلانہ و بیبند و بار سرمایہ داری کہ در مسر راہ خود، حقوق سایر طبقات مستضعف را لنگدوب میکند و تنگناہا و بحرانهای بہایی آن کساکریر او را در درون، با تضادها و تناقضات نابود کند، و روبرو عواہد ساخت، بہترین مثال این معنی است. در تاریخ معاصر خودمان میتوان از کشورهایی نظیر مہموسدان ... نام برد کہ بعلت اتحاد شیوہ توسعه غیر عادلانہ و مرجع تشرین تکنیک و امکانات سرمایہ داری بر مائل انسانی و تودہهای محروم، سرانجام در مسر این رشد اقتصادی در ورطہ سکس وابستگی، بہ سرمایہ داری سقوط کردند. مسری کہ در ادامه آن، دچار آنچنان فلاکت و درماندگی می شوند کہ سرانجام بجز یکی از این دو راہ، با راسر - سہرگی بہ اسیرالبنم و عیانیت (سوتنہ مخر) و با یازگتت بہ راہ عادلانہ و مردمی، راہ سومی برای خروج از بن بست وجود نخواہد داشت.

مشکلات را ماضی و عادلانہ:

او در مین حال بہ این نکته نیز توجہ دارد کہ اتحاد این روش اصولی، بلاکت در کوتاہ مدت، او را با مشکلات و تنگناہایی مواجہ خواهد ساخت. نیروها و امکاناتی را از دست میدہد، و حتی با تضییقات و توانمی کہ جریہات انحرافی در پیش راہ او ایجاد خواهند کرد، چہ بسا کدیہائی در حرکت او بوجود مہاورد. اما باہمہ اینہا بہمان دارد کہ چون راہ درست و اصولی را برگزیدہ، بطور درازمدت و در بہتاز حرکت اصولی "مدل" مہمہ آنہا را کہ بظاہر از دست میدہد، بدست خواهد آورد. و

آیه الله طالقانی...

اسلام را شناخته است. از آنجا که سخنان آیه الله حاوی نکات ارزنده و مبسوط بود، ما لازم دیدیم که بخشها و محورهای عمده سخن ایشان را در اینجا بیاوریم.

وحدت و تفرقه نیروها

"ان هذه امتكم امة واحدة..." (مؤتون ۵۲ - ۵۳) عطا شده است. آنها یکی کرده اند. کفای سوی توحید و وحدت کلمه و قسط و عدل بوده اند. اسبها در قبال تاریخی و لاجرم حرکتی را اجتناب می کردند که با همه های با هم را کدو و شرک و بت پرستی ظهور نموده، و توحید عقیده و عمل را اعلام کردند. مردم را در یک مسیر و در یک خط واحد عقیده ای و ایمانی و احتیاطی، برآوردادند. تا جامعه ما یک هدف، یک حرکت، یک عقیده داشته باشد. نفی هر شرک به صورت و سپرگونه و انشقاق یک رب، "ان لا اله الا الله" من پروردگار شما هتم، پروردگاری که نیست به سبطی و برای خلق دیگر. هر گونه غیرولامی می خواهد موسی پسندد. رشد و تربیت می خورد و را کامل را نشا میدهد. رت کمال دهنده ما خدا را بنا، استعما و گروا استعما رگزیست اما بعد از آنجا چه شد؟ "فَتَقَطَّبُوا امْرُؤًا مِمَّنْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا" این رسالت های تاریخی یک است محکم، پیوسته و متحدند. اولی بعد از آنجا قطعه قطعه شدند. از میان و درون خود پراکنده شدند هر دسته و هری برای خود سرآمد نامهای وزیری آورد. و مانند سرادهای آنها قطعه قطعه شدند و آن خاصیت طلایت و سبوت و آن استحکام را از دست دادند. "آدم" مردمی که قطعه، قطعه شدند. او حرکت توحیدی و حرکت بسوی وحدت و اکت و اجداد روی گردانیدند آنها را بحال خود و گذار و مخرجان به سر می رسد، و در آنجا ریختن و رسوا می برای خود می گذارند

اسلام اصل، آزادی بحث و اقتدار محدود نمیکنند

ما چه میخواهیم؟ چه می گوئیم؟ آیا غیر از عدالت اجتماع می. آیا غیر از آزادی، آیا غیر از کونتا شدن دست موا مسل استعما را، آیا غیر از نفسی استعما را، آیا این ساقبل در اسلام ما و در قرآن ما نیست؟ آیا نمیخواهیم بفهمیم که هست و نیستیم؟ آیا نمیخواهیم با اسلام، اسلامی که ما میباشیم، اسلامی که از من



مراسم بزرگداشت شهدای سی ام شهید در میدان بهارستان

قرآن و سنت بیفهمی سرچشمه گرفته، هیچگونه آزادی را محدود نمیکنند. هر جمعی که بخواهد آزادی مردم را در استحقاق روحیت محدود کند، اسلام را نشناخته، هر جمعی که نخواهد استعما را و احتیاط را، استعدا درین کشور، اسلام را نشناخته است. هدف همه ما روان و احتیاط یکی است: بنفی استعما و بنفی استعما.

تحریر وحدت، برای ملت ما همین بود، که توانستند با دست خالی به میدان بهارستان و عیانانها بریزند. همی چنانچه به پشت سر حجاز، از بیچه های ۶ ساله و ده ساله تا پیر مردهای ۶۰ - ۷۰ ساله، در چشوی این مجلس فرما دگر در وقت امت نمودند. وکلای ملی بی رغبتا کردند تا سرانجام پهلوی شدند. ولی برای دشمن هم تجربه بود از آن وقت گرفته تا این وقت را تبدیل به تجربه کنند. "فَتَقَطَّبُوا امْرُؤًا مِمَّنْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا" قطعه قطعه شدند. هر کدام یک زبیره و گنایی برای ملت آوردند. نتیجه اش یکسال بیشتر طول نکشید که کودتای ۲۸ مرداد بزور پیوست. در باره ایس روز همه میدانیم، شنیده ایم. روزها ماها نوشته اند سفر آنها گفته اند. ولی میبشتر از همه تجربه تاریخی است. هیسترت تاریخی است، عبرتی که برای شما اکثر نسل جوان، که در آن روزها در دنیا نبودید و یا اطفالی سوید؟ آموزنده باشد. امروز ما با در چنین مرحله تاریخی هستیم. با آن وحدت، آن یکپارچگی، آن مشخصی گروه کردهای که به سمت دربار چار حرکت میکردند پهلوی شدند. بعد از آنکه دستگاه استعما و لاجن، استعما را از منجمد کردیم. و اما با دیدیم سینه های زبر پهلوی هست، کیدهای که دانش آب روز، دشمنان زخم خورد ما در خارج و داخل، مشغول است که شما را قائل

عامل پیروزی مردم در سی ام

تورنارامی قیام ۳۰ شهید در آن تجربه مامل پیرو بود. مد وجه شد ۴ در همین محوطه ای که شما عزیزان جمع هستید، ۲۷ سال قبل چه حادثه ای پیش آمد. استعدا داد علی در مقابل حکومت ملی و حرکت همه مردم و فرزندان خلق ایران، دسیسه کرد. ولی همیشه سلطان کورمی خواند. اگر سبای قوام السلطنه سپهر دیگری را مرغه میکردا بده چند روزی در او داشت ولی این سپهر خودخواه، خودفروغی، شناخته شده را به میدان آورد. با آن رجز خوانیها، با آن نصیحت

کرونها و جمعیتهای چه می خواهند؟ چه میگویند؟ کبیر از عدالت، غیر از قسط، غیر از آزادی... بین سلیمانان یک خدا، یک میدان، یک معاد، یک قرآن، یک کتاب ما کما است گروهی میفرستند ما هم قسط میخواهند، عدالت میخواهند، نفی استعما و استعما رومی خواهند، مگر قرآن موافق با استعما و استعما راست آیا می که من در جانی و جماع گاهی خواندم "وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَنْتَافُ الْإِنسَانِ بِالْإِسْبَاطِ" قسط یعنی چه؟ قسط یعنی حق هر کسی را به او دادن، قسط یعنی هر کسی را در موقع خود قرار دادن، قسط یعنی شمره کردن و فکر هر کسی را به خودش برگرداندن. قسط یعنی نفسی استعما و استعما به معنی بهره کشی انسان از انسان که بدترین پدیده جوامع بشری از ابتدای تاریخ است. بشری که خدا او را مختار و متفکر و آزاد فرمود. کما از منابع طبیعی بهره مند شود.

همین بشر افراد عموماً و استعما میکند. یعنی بهره کشی انسان از انسان. این بهترین و بدترین پدیده ای است که در تاریخ پیش آمد. و هنوز در دنیا ریشه دارد...

قرآن فاتلین قیام کنندگان به قسط را محکوم به عذاب کرده است

آنقدر شنیده که استعدا در ادیان و اسلام هم است که کسانی که حتی با دین سروکار ندارند اگر ما بدانند قیام به قسط کنند قرآن از آنها تمجید کرده: "الَّذِينَ يَتَّقُونَ يَأْتِيهِمُ الْيُسْرُ وَأَنْتُمْ مُبْتَلَوْنَ" (آل عمران ۱۸۰) آنها کسی که کفر با ت می ورزد، آنها کسی که انبیا را به ساق می کشند و آنها کسی که آمیزن به قسط را می کشند به عذاب دردناک و مده مان ده. کسانی که آشنایی به تعبیرات قرآن دارند، میدانند که در آیه فوق یکبار جمله "يَتَّقُونَ الَّذِينَ يَأْتِيهِمُ الْيُسْرُ" (آل عمران ۱۸۰) آنها کسی که کفر با ت می ورزد، آنها کسی که انبیا را به ساق می کشند و آنها کسی که آمیزن به قسط را می کشند به عذاب دردناک و مده مان ده. کسانی که آشنایی به تعبیرات قرآن دارند، میدانند که در آیه فوق یکبار جمله "يَتَّقُونَ الَّذِينَ يَأْتِيهِمُ الْيُسْرُ" (آل عمران ۱۸۰) آنها کسی که کفر با ت می ورزد، آنها کسی که انبیا را به ساق می کشند و آنها کسی که آمیزن به قسط را می کشند به عذاب دردناک و مده مان ده. کسانی که آشنایی به تعبیرات قرآن دارند، میدانند که در آیه فوق یکبار جمله "يَتَّقُونَ الَّذِينَ يَأْتِيهِمُ الْيُسْرُ" (آل عمران ۱۸۰) آنها کسی که کفر با ت می ورزد، آنها کسی که انبیا را به ساق می کشند و آنها کسی که آمیزن به قسط را می کشند به عذاب دردناک و مده مان ده.

اسلام مخالف تنگ نظری

برادرها - فرزندان - مسلمانها: اسلام دارای همه صدر است. اسلام دارای گذشت و چشم پوشی است. اسلام با تنگ نظری درست در نمیاید. بنا بر این ما هم تا ما داد میگیریم، برای گروهی در خلاف مسیر حرکت استعما و انقلاب اسلامی ما حرکت نکنند. حق نداریم که نسبت به آنها تحریف کنیم، اما ذات کبر و خود را با بدعظت کنیم. اگر کسی و دشمنان را حفظ نکنیم، دیگر در حردهات ما و اطراف ما هر روز یک فاش و میبیتی پیش نیاید. همان مردم سرحدات با پدا و حریم و مرز انقلاب ما و مرکز کشور ما دفاع کنند. دیگر لازم نیست که سبای ارتش از دنیا برود. ولی در اثر همین

شبهه ها، اختلاف انگیزیه های همه روزه در روزنامه، رادیو و... است که سرگردانی میشود. چرا برادر کشی؟ مگر تکی ای برادر کرد، برادر عرب، برادر بلوچ، غیر از آزادی، غیر از قسط، بطلب دیگری داری؟ اگر سرور ما به اسلام و قرآن تا همین نشود، از کجا میخوانی تا همین کنی؟ که چه صورتی میخوانی تا همین کنی؟ در سبای کشور میخوانی قسط و عدالت را تا همین کنی؟

کازی نکنیم که چهره اسلام آلوده گردد

آنچه برای ما و رهبری ما سهم است نشان دادن چهره واقعی اسلام میباشد. بمسند از رسول خدا و مدار اول اسلام این چهره آلوده شد. اسلام را در بارها ما در شد. ما بشکنا به دربارها، وابستگان به طبقات مستعار، استعما رگر، اسلام را تحریف کردند.

و میفهمیم بگوئیم این اسلام آن اسلام امیل نیست، آن اسلامی که قرآن آورد، آن اسلامی که بیاسیر آورد، آن مدینه ما طه ای که در تربت تشکیل شد، غیر از این اسلامی است که امروز در کشورهای اسلامی و در کشور ما بحال بود. اجتماع ما اگر شکست بخورد، مهم نیست. گروهی های مذهبی جوانی مذهبی، رهبر های مذهبی، با بدعظت ما شد که اسلام شکست نخورد چهره اسلام خوب بشود. علی (ع) شکست خورد، اما ما حسین هم کشت خورد، اما ما اسلام معرفی کشت علی میخواندند. ما سبای طلبیهای معمولی با مروان، طلحه و زبیر و معاویه جدی سازد. بعضی از نویسنده های مصری هم میگویند "ملی سبای شد، رادیو، اگر سبای سبای ساخت، میدواند است خلافتش ادا به پیدا کند. آنها با این دیدن سبای را میبندند" ولی اگر آوازش میگرد، آیا آنکاهمان علی بوده که ما امروز میباشیم؟

علی شکست خورد ولی چهره علی در تاریخ باقی مانده. نظامی که علی میخواست، بهما نشان داد. امروز ما هم همین را می خواهیم. اگر عدای نخواسته شکست خوردیم، میخواهیم چهره اسلام باقی بماند. فرست طلبیها و خودخواهیها، غرورها، اینها چهره اسلام را آلوده و منحرف نکنند. این چهره ما لیس و آزاد نیست، اسلام، این چهره ای که ذاتی هر گونه استعما و استعما را انسان است، باقی بماند.

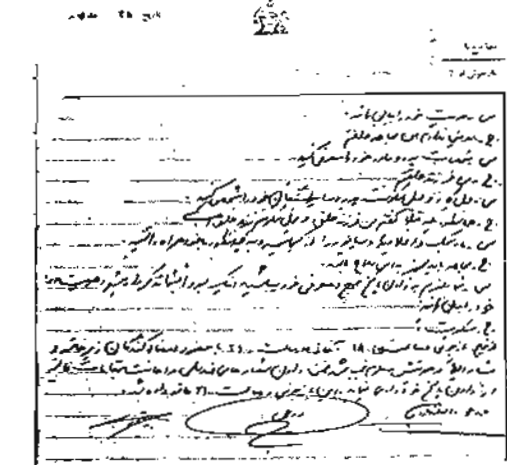


فاطمه امینی

فاطمه در یک طول قرار دادند. ساواکسی خواست فاطمه زنده ماند تا با هم بتواند او را شکنجه کند. مطابق خبرهای موفقی که بعداً به ما رسید اطلاع یافتیم که فاطمه پس از مدتی پرستاری و رسیدگی این زندان نی بزرگ سپهبد نسبی پیدامی کند. ولی دوباره او را به زیر شکنجه می کشند. بارک آدرس در ضمن زین راد و نظریه با همور- ان می دهد که آنها را چندین روز سرگردان می نماید. ما موران پسران که مشتاق وقت و انرژی خود را در می دهند و متوجه ساختگی بودن این آدرس شده و مجدداً او را با سایر انتقام گرفتن تحت شکنجه و آزار قرار می دهند. در شترماه و بخصوص سرداد شکنجه شدت می یابد و برای چندین بار او را می سوزانند. مفلوت ناشی از زخمهای چرکین بدن او بعدی رسید که بوی چرک سرتاسر فضای زندان را پر کرده بود و ما اولین مجبور شدیم برای گریز از این وضع او را روزانه یک ساعت در بیرون طول در آفتاب قرار دهیم. گاهی هم که حالتش خیلی وخیم می شد او را در بنداری زندان اوین بستری می کردند. در اوایل مرداد ماه ۱۳۵۴ فاطمه برای آخرین بار به شکنجهگاه برده می شود از این تاریخ بعد هیچکس از سر نوشت او اطلاعی نداشت. معلوم نیست فاطمه از ولی مملکت است چه شکنجههایی قرار گرفت و در زیر شکنجه چه شکنجهها و شکنجههای سابقه ترنم و فجیع ترین شکنجههای فسادت بارچاگان ساواک به شدت درسد. (۱) مذاکره گیمه (۲) آرزو- واک بدست آمد. تاریخ شهادت و پیرا ۲۵ مرداد قید گردید. دشمن سپس بخوانده امینی گفت:

"فاطمه در سلول خودکشی گردماست" و مذاکره می برای اثبات این ادعایش جعل نمود. چنین بود که فاطمه این شیون مجاهد و محبل برافتاد مقاومت مجاهدین غلغلی ایران در آخرین نبرد خود نیز پیروز شد. چه

بهروزی بزرگتر از این که دشمن را با همسه- تنگک به شرفته و ابرار شکنجهش تا بدین حد حقیر و سزاوار کند. سار و دو نام اجبارا برای دست یافتن به اطلاعات و اسرار سیاسی خود مهمل به پاس سایه اجلا بدهری پایهای سالمش برانوردند و فاطمه بر روی پایهای خون آلوده و شکنجه خورده سخت و فشرمانه ایستاد و بدون شک راه خنثی خلسق ما و راه جهاد معظم شد و دیگاتوری بدون چنین قربانسانی. بدون این فدائیکارها و جانناز بهای نپرمانانه گشوده نمی شد. مادرش در



سهمنگی که بر علیه سرگردان امیر- لیسم آثار کردم می دانستم که این راه سخت و طولانی است و بهروزی ساده و زود بدست نمی آید. مانده است بودیم که این راه را به ثبات و آبادی می طلبید و نام این خونبار و زینجا و شکنجهها ضرورت اجتناب ناپذیر تکرار انقلاب اند. ما نگفتیم راه اعلام اصل و انقلابی را نیز از همین طریق از لایحای جوخه های امداد و از همان رنج و خون و شکنجه پاکترین و فداکارترین نیر-

کشد تری مزدوران سر سرد امیرا لیسیم بشهادت رسیده اند. اما تأثیرات تمام این مرکبهای انقلابی همواره در کالبد جنبش انقلابی خلق ما با بر حاست و بران مردان مجاهد زنده های کمربانی امدادها آنها به میدان می آید همواره خاطره دلوارها و فدائیکارهای آنان را پشتوانه مبارک انقلابی و قدس خود خواهند یافت و بهر چه آرزمان توجیدی را که با خون این شهیدای والا مقام سرخ گشته همچنان بر امرافشته خواهند داشت. **خصیصت های انقلابی و توحیدی، فاطمه**

فاطمه اردو همی جامه و زاریان توده مردم و باقلی اگنده ارتش به بهنگار در راه خلق برخاسته بود. از لحظه ای که قدم در راه مبارزه گذاشت تا زمانی که فقیه مانده در زیر شکنجه شهید شد، آسی از تلاقی و - معالمت در راه انقلاب و سازمان اش و بهروزی آرمانهای اسلامی و مردمی خود غافل نبود. تمام امکانات و انرژیها و همی خود را در راه سازمان و انقلاب نمود.

فاطمه حقوقی را که ماهانه می گرفت متعلق به مردم می دانست و آرزو داشت که اختیار سازمان فرار می داد و هرگز نخواست بهی تر از حد یک زندگی سخت و پنهان خرج نکرد. بیکار در این مورد گفت "وجود ما و معلومات و تخصصات ما همگی شجره فرسج و خون دل این مردم و مسجول کار و سرزن رختن سلبوسا انسان رسیده هموز محنت میبایست که خود را تا این حد خالص و معیت و وسایل و اختیاراتی که برایش زنده ماندن لازم است ما خواند. ... پسران دستگیری همسر و هموز مجاهدش، صور بارگان، هم چنان به بهنگار شکنجی ناپه برخورد حسی فاعلان تار گذشته ادامه داد. مقاومت سرستانه و جرات انقلابی فاطمه نیز سار پاکبختی او سرچشمه گرفت. در سخت ترین شرایط چنان روحیه * بقیه در سلحه ۲

موجودی به این مرد و خون آشتام بعداً به این جنایت خود و بیجانان اغتار می کرد. و برای ترسیم چهره زخم خود برای انقلابیونی که گرفتار او می شد می گفت "شاه فریدم که تحمل شکنجه داشته باشد، به اندازه یک موی فاطمه امینی بسیند. من جلا فاطمه امینی هستم"

درس لول اوین

فاطمه پس از مدتی از مجاهدستان شیرانی دوباره به شکنجهگاه اوین منتقل شد. در آنجا بیکریمه جان او را در یک سلول انداختند و یکی از زندانیان دختر را که بزرگ بود، برای مراقبت او خواستند.

اشغال انحصار طلبانه

شده و بدون هیچ پوششی و با واقعیت تمام از وجود افراد صلح استفاده می- کنند. به این ترتیب که از طریق تماس با کمیته صلح، تعداد ۱۲ تا نفر با مدار صلح را به مسجد ۷ رده و با تهدید سر- نطق و با استفاده از قدرتی تنگ موفقی میبندید یک کتابخانه دیگر افتتاح کنند. [] باین ترتیب کتابخانه ای که ما کوششهای شیانهروزی تعدادی از جوانان مسلمان صلح پایگیر نموده، و با صرف هزینه های شخصی، قسمتی از کتابهای آن تکمیل شده بود، و موفق شده بود در سطح محل حاصل ایجاد یک حرکت فرهنگی صلح شود. با نیروی نظامی به مخالفت انحصارگرایان درآید که برای خود رسالت "هدایت افکار" میا سر محتر بگویم "تفتیش مفاد" فاشل هستند.

نمونه فوق، تنها یک مورد از موج شهنجانی بود که در معرض چند هدفگذاشتند از سوی مرتجعین برای تضعیف و پاکسازی کتابخانه های مساجد به پناهنده است. چنانچه درست یک هفته قبل از آن کمیته شهنجانی شایه، با هدایت رئیس کمیته منطقه و کتابخانه مسجد لرسزاده به اشغال درآمد و حتی مسئولین آن شهید شدند چنانچه در اطراف کتابخانه تروید نمایند بازداشت خواهند شد. در هفته های قبل نیز شاهد چنین شیوه هایی در سراسر ایران بودیم و در برخی نقاط با سوختن کتابها مواجه شدیم

سکولیت نیر و های متعهد

بشعای مردمی این چنین مورد تعاصم قرار گیرد؟ جوابش را همانطور که گفتیم باید در اهمیت انحصار طلبان و ارتجاع چستجو کرد. طبیعتاً است که چنین شیوه ای بهیج وجه نمیتواند مطلوب و حتی قابل تحمل برای کسانی باشد که در قید و بند و استکلی ها و موضع طلبی ها گرفتارند و منابع رایشن خلق و انقلاب با خطر آن بود، و شهیدای برای این جان فدا کردند. با تمام وجود می بندند. و در نتیجه به نیروی بازدارنده و میرنده تبدیل میشوند. اما اساساً مقصد که در اندیشه پاسداری از آزاد اندیشی، با انقلاب، و عین سبک سادت هرگز نمیتواند از راه خود باز ایستد و تصدیق و راغرا میبوشند. و علاوه بر آن این روشهای فسر دوکرانیکه چکارا مانسانهای مسئول را نتواند بست. و تمهید و مسئولیت را از این طلب نخواهد کرد پایت راه خویش را بست و دشوختانی در هر چه، بطبیعی خواهند یافت. و رسالت خویش را ایفاء خواهند کرد. اما برای امرادی که در یک پرسوه طولانی و بی سبب شناخت ایدئولوژی و تصدیق خود نسبت به خدا و خلق به مبارزه کشیده شده اند، به دور از هر نوع وابستگی اجتماعی، و محم به ایفای تصدیقات و بهیمنای عذاتی و خلقی خود هستند. برای ایشان این امکان وجود ندارد که در از منابع رایشن این امکان وجود ندارد که در غافل شده، و در جهت ارغای صاحبان قدرت گام بردارند.

بها سر بزرگوار اسلام کنیم که فرمود:

"کسم غیري رجلا، عالم مشیتک و جاهل مشیتک" (دو گروه مکرر مرامشکنند و استخوان- های پشتم را خرد کردند. یکی مانی که مبداء بود ستورهای اسلامی را زیر پای گذارد، و پوردهای اسلامی را سیرد، و بدینوسله مکر اسلام را مشیتک. و دیگر فرد جاهل و مانی کتاکا- هاد خود را به اسلام میبباند، و از طریق انجام کارهای کورکورانه و ناپه خوانده بر رسول خدا شرم بکاری میزند. این است دردی که هر انسان متصدیه اسلام را رایشن را دردمند و مسزین سازد. بنا بر آنچه گفته شد، سوال اینجاست که: "اولاً": چگونه است که افرادی که برای خود نفس و روحانی قائل بود و موی بهروزی را بهیمنای متفاد اسلام را میبباند، بالاخره پای در همان سیر میبگذارند که طاغوتیان، سالها سال آن را تجربه کرده اند؟ و ثانیاً: چنین مکرده هایی در نهضت خود به کدامین سوی رومی برد و چه آوازی در پیش روی دارد؟ چنانچه شاهد بودیم اشغال کتا- بهانچه تنها نمونه های منحصر بفرد از کارگرد انحصار طلبانه چنین مناصری نبوده است، بلکه این مناصر هر جا مشاهده کرده ایم، گرایش افکری مسئول امور، در جهت تأمین منابع اشغال نمیکند، بلافاصله دست بگارشده و با توجیل به

گزارش از بزرگترین کنگره شوراهای کارخانجات

- مشارکت مؤثر در سیاستهای سازمان نوسازی، و نیز مشارکت در انتخابات مدیران از خواستهای شوراهاست.
- کسب حقوق کارکنان بر اساس موازین اسلامی و برای دست یابی به جامعه بی طبقه توحیدی می باشد.
- ایجاد صنایع ملی، از بین بردن وابستگی صنعتی از اهداف اتحادیه است.

مختصری از عملکرد نشست سهایی بنا - زندگان اتحادیه را از طرفتان میگردانیم.

شوراهای در سان تمامی اقتدار و طغیان خلق بویزه طغیان مستقیم جامعه ما نظیر دموکراسی و نیروی انقلابی ایران می باشد. در این میان اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی کارکنان شرکت های وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران در خلال جلسات خود موفق به تصویب اساسنامه و دستورالعملهاست. ای شد، که قدم مهم دیگری در تکمیل راهها شمار می رود. این نخستین اتحادیه شورایی در تاریخ مبارزات کارگری ایران می باشد. بدینال گزارش کوتاهی که در نشریه شماره نوبل اراس کنگره دانشم، اسک طبقه در صفحه ۴

نماز و حدت تجلی نیاز و حدت

اقتصادی بیفتوری دارد. در اولین جمعه ماهی پیرا رسام، نرول ایدولوژی توحیدی و تجویز انسان به معیاری برای شناخت راه کمال از پیراهه حدتکامل (کهنز رُفَاةَ الْقِيَامِ اَنْزَلَ فِيهَا الْقُرْآنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنَ) .

تساوی اسلام حاصل محتوایی سرشار از معانی بگرو واقعی در با معاد فدیووا جنسامی است و در میان تمامی شعائر نماز نماز است و مسند و بیگانگی انسانها با یکدیگر و باغذای خویش است. بویژه نماز جمعه که همچون حج - اجتماعی و اجتماعی و

در محیط مقدس دانشگاه همیشه زرمندۀ تهران، تسار جمعه بی سابقه ای برگزار شد این اولین نماز جمعه تاریخی بعد از انقلاب است. در این نماز، محدثان و واعظان در - میهنان به امامت مجاهد ستوده آیه الله خالفاً تکیه می از وحدت مفوی خلق را بسامایش گذاشت .

ایشان عنوان امام جماعت سابعامی پدرانکه مردم را تقیام به قسط و عدل وجهاد و وحدت هرچه بیشتر در مسیریارزه، خداستعمااری دعوت کردند .

از جمله درباره عظمت وحدت تمامی انسانسردم و خطراتی که در سوراها این وحدت است فرمودند: " وحدتس که از درون دلها و جاساسا سرچشمه گرفته وحدتی که ساد رهبریهایی فاطمه اسلامی بحکمت درآمدند دنیا را تسکون کرده. آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحدت افتادند. ساکسارها ای احقانه ای که در سعادت ما بره ای می اندازند گسسان میکنند این صف را متلاشس کسودلی جز سوافی سرای خود نمی گذارند "

و در دستس دیگوار سخاسان ساهان حدیثی که در کلام ایشان سراع داریم گفتند: " استعما رساید جلوس، بقعه در صفحه ۴

مختصری درباره شرح زندگی و سرگذشت مبارزاتی برادر مجاهد مسعود رجوی

مسعود رجوی در سال ۱۳۲۷ در شهر طیس در خانواده ای مذهبی متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد گذراند. در طول سالهای تحصیل در جلسات مذهبی - سیاسی متعددی شرکت میکرد. اس فعالیتها بسیار فراوان بود. اما در ۱۵ خرداد ۴۲ گسترش بد دیگری یافت. او بدنبال دستگیری (معنا) نهضت آزادی ایران و خصوص دستگیری حضرت آیتالله طالقانی و مهندس بازرگان به بخش کت و تبرات آنان پرداخت و ارا این طریق به گسترش ارتقا، مبارزات اسلامی در آن مرحله هست کماقت. او فارغ التحصل رشته معنوی سیاسی از دانشگاه تهران است.



مسعود رجوی در سال ۱۳۴۶ و در حالی که بیش از ۱۹ سال بدانت به معویت در سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد و فعالیتها به معویت گروها بدینگونه بقعه در صفحه ۸

آغاز فعالیت مسعودیا مجاهدین مسعود در سال ۱۳۴۶ و در حالی که بیش از ۱۹ سال بدانت به معویت در سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد و فعالیتها به معویت گروها بدینگونه بقعه در صفحه ۸

یاسداری از میراث شهدا

هنه اولیه شوراهای کارکنان این شرکتها در اوج مبارزات مردم میهنان در دیماه گذشته برگرفت. این شوراهای در شرایط کونی از برکت آزادی نسبی موجود موفق به تشکیل یک اتحادیه سراسری شدند. مانند که بهبود حسته شوراهای طبقه وحدت و سورا سیدی برای مستعفی ایران شود. از آغاز روش بود که دستهای پر توان کارگران و همت کارکنان سورا بریادی را از سورا برداشته است تا نتوانند با این کردها فای ظهیری از وحدت سورا - طبقه در صفحه ۴

گزارش سازندگی در اردوی عمرانی و آموزشی

- " جوانان انقلابی، این سرمایه های بزرگ خلق با سازندگی در روستاها، خود را میسازند. "
- فتووال معروف منطقه برای تصاحب زمینها از هیچ دست سینه ای فرود گذار نمیگردد
- ریشه اصلی درد: تسلط دیرینه امپریالیسم سیهس ما و حجابتهای سیهسار رژیم سناک پهلوی، تمامی این سرزمین را به ویرانه ای تبدیل کرده است. روستا های
- ما بیش از هر جای دیگر داغ این سخته را بر سیره خود دارتند. سر تا نه های غدمردمی رژیم دیگنا شور محمد رضا شاه که سراسر اساس صنایع امپریالیستیای جهانها را تنظیم شده بود. اساس کشا و رزی و زندگی روستایی خلق

اشغال انحصار طلبانه کتابخانه محکوم است

- ارتجاع ماهیت خود را نشان می دهد.
- منطق توحید از این شیوه هامبراست.

اصولیت مقاومت کرده. و به آن تنبهدهند در حقیقت مقاومت در برابر این رفتارهای سیراسلامی را سولیت ایدولوژیک خود میداستند. بالاخره روز چهارشنبه (۲۷/۵)، چند نفر ضمن مراجعه بدفین کتابخانه تلاش میکنند با استفادار بلند کور ایراء اتهامات واهی از قبیل " کمو - نیست " و " منافق " نسبت بسولین کتابخانه مسجد. مردم محل را تحریک کنند. ما این امد که از این طریق سادرت به افتال کتابخانه بنامید. ولی چسون مردم کتابها وسولین کتابخانه را از قبیل سشناختند این توطئه هم ناموفق میماند. در نهایت مرتضی متول با عرس حربه بقعه در صفحه ۱۱

در روزهای گذشته بار دیگر شاهد بودیم که چگونه ارتجاع تا تحمل هیچ کوره حرکتی را از سوی سروهای سترسی سلمان، بسظور گسترش لفظا حصار - طلبانه خود اقدام به اشغال یک کتابخانه دیگر نمودند. این بار کتابخانه ما سواد واقع در مسجدی به همن نام در خیابان پارک، میدان خراسان هدف تهاجم قرار گرفت. چند روز قبل از تهاجم، روحانی محل به کتابخانه مبرور مراجعه کرده، و اطلاع میدهد که است چند نفر را حجت نظارت بنامینا بفرست. روز بعد سحیحبارتسمر طلبه به کتابخانه مراجعه کرده، و پس از یک بررسی اجمالی از کتب موجود، و اعلام میکنند که وجود کتابهای مرحوم دکتر علی شریعتی و کتابهای معاهد پس خلق ایران برخلاف خواست است. و باید متبول تصمیه قرار گیرد. متبول کتابخانه که نسبت به امتقادات خود باید بدند و ماهیت کتابها را میشناسند و سق رابطه این کتابها را با اسلام راستین درک میکنند. در فیال اس خواست غیر

مجاهد شهید فاطمه امینی چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟

- فاطمه پس از دستگیری همسر و هموزم مجاهدش منصور بازرگان همچنان به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه داد

فاطمه پس از دستگیری همسر و هموزم مجاهدش منصور بازرگان همچنان به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه داد.

در بیمارستان شهربانی

فاطمه در بهار ۵۴ در بیمارستان شهربانی دیده شد. در آخرین روزهای سال ۵۳ هنگامیکه یکی از برادران بر اثر شکنجه ریاد روانه بیمارستان شهربانی شده بود، فاطمه سستی را در یکی از اتاق های بیمارستان مشاهده میکند. این برادر وضعیت وحشتناک فاطمه پس از شکنجه های که دیده بود چنین توصیف کرد: ما ست " رنی را دیدم که بپرویی خشتی به حالت نیمه جان افتاده است. برادر دیگری نیز در همین اتاق بپوشی بود که بر روی تخت بجاور قرار داشت. اتاق باد و نفرت و تخت فاطمه بوسله برده پاراوان جدا میشد. ما بسولیت میتوانستیم اریست برده باهم صحبت کنیم. من ابتدا نسام این زن را سائل کردم، وقتی اسمن را گفتم. بیچون سشناختم برسدم ارکادم گفتم. سنازانه با سنا مشاهده هتند که سنا سنج داد: " بله البته اگر منل و جهادم در



هفته نامه مجاهد نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول - تکرماه ۱۵ ریال آدرس تهران - خیابان مصدق جنبش ملی مجاهدین